



Unconventional Sexual Orientations from the Islamic Perspectives to International Human Rights Practices and State laws

Maryam Ahmadinejad ¹ | Elahe Marandi ²

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Women Research Center, Alzahra University. Tehran. Iran.

Email: m.ahmadinejad@alzahra.ac.ir

2. Assistant Professor of the Department of Law, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. Email:

e.marandi@alzahra.ac.ir

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received in revised form

Accepted

Published

Keywords: *Islam, Human Rights, Homosexuality, Gender Equality, Family.*

Despite the accepted fact that the ideal family, as the foundation and main cell of society, has a direct impact on the progress of society, today, we are confronted with significant threats to the foundation of the family as a result of the disparity between the performance of certain societies and moral-religious traditions. A hazard that has been significantly de-stigmatized in recent years is the unconventional and unnatural sexual tendencies of individuals toward their own sex. We have observed that numerous international authorities in their jurisprudence do not exhibit discrimination or inequality toward civil institutions that are established based on unconventional sexual tendencies, despite the strong and emphatic prohibition of religions, particularly Islam, against unconventional sexual tendencies. They equate these institutions with the sacred institution of the family. This unnatural perspective has had such a profound impact on them that, in addition to eliminating historical punishments for this immoral activity, they have criminalized opposition to homosexuality as hatred. This has advanced to the extent that certain countries have even acknowledged "marriage," a term that is historically and naturally associated with relationships between men and women, for relationships that are based on aberrant sexual tendencies. This is despite the fact that homosexuality, or unconventional and unnatural sexual tendencies, has been regarded as ugly, disgusting, and unnatural throughout history. In Islamic teachings, it is also referred to as prostitution and is considered one of the major sins that has been assigned the most severe punitive measures.

Cite this article: DOI: <http://doi.org/>



© The Authors **Publisher:** University of Tehran Press.
DOI: <http://doi.org/>



انتشارات دانشگاه تهران

زن در توسعه و سیاست

گرایش‌های نامتعارف جنسی از دیدگاه اسلام تا رویه مراجع بین‌المللی و قوانین کشورها

مریم احمدی نژاد^۱ | الهه مرندی^۲

۱. نویسنده مسؤل، استادیار دانشگاه الزهرا (س)، پژوهشکده زنان، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. رایانامه: m.ahmadinejad@alzahra.ac.ir

۲. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. رایانامه: e.marandi@alzahra.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

تاریخ بازنگری:

تاریخ پذیرش:

تاریخ انتشار:

کلیدواژه‌ها:

اسلام، برابری جنسیتی، حقوق بشر، خانواده، همجنس‌گرایی.

به‌رغم این واقعیت پذیرفته‌شده که خانواده مطلوب به‌عنوان پایه و سلول اصلی جامعه، تأثیر مستقیمی بر پیشرفت جامعه دارد، امروزه با شکاف ایجادشده بین عملکرد برخی جوامع و سنت‌های اخلاقی-دینی، با تهدیدات جدی بنیان خانواده مواجهیم. یکی از این تهدیدات، گرایش‌های نامتعارف و غیرطبیعی جنسی افراد به همجنس است که در سال‌های اخیر به‌شدت در حال قبح‌زدایی است. با وجود نهی شدید و مؤکد ادیان خصوصاً دین اسلام درمورد گرایش‌های نامتعارف جنسی، در عرصه حقوقی بین‌المللی شاهد این هستیم که مراجع بین‌المللی متعددی در رویه قضایی خود تبعیض و نابرابری درمورد نهادهای مدنی‌ای که براساس این گرایش‌های نامتعارف شکل گرفته‌اند برنمی‌تابند و به حدی متأثر از این نگاه غیرطبیعی خویش شده‌اند که علاوه بر حذف مجازات‌های تاریخی این رویه غیراخلاقی، برای نفرت از همجنس‌گرایی، جرم‌انگاری کرده‌اند. این امر به‌گونه‌ای پیش رفته که حتی برخی از کشورها ازدواج را که از جهت تاریخی و طبیعی مختص روابط بین زن و مرد است، برای روابط مبتنی بر گرایش‌های جنسی غیرطبیعی به رسمیت شناخته‌اند. این در حالی است که گرایش‌های جنسی نامتعارف و غیرطبیعی یا به عبارتی همجنس‌گرایی در طول تاریخ، یک امر قبیح و ناپسند و غیرطبیعی است و از منظر تعالیم اسلامی نیز فحشا و از گناهان بزرگی است که سخت‌ترین مجازات‌ها را دارد و به هیچ وجه قابل تسامح نیست.

استناد:

DOI: <http://doi.org/>

DOI:



۱. مقدمه

یکی از انحرافات اخلاقی که از قدیم‌الایام در تمامی ادیان الهی بالاتفاق مذموم بوده، گرایش جنسی به همجنس است. واقعیت این است که باورهای دینی ارتباط مستقیمی با کاهش گرایش افراد به همجنس‌گرایی دارد. در واقع آن‌هایی که به سکولاریزه کردن جوامع اعتقاد دارند، نگرش اخلاقی‌شان با تنوع بیشتری همراه است؛ بنابراین کاهش دامنه مرجعیت دینی^۱ به این معنا که افراد درجایی خارج از سنت‌های مذهبی به دنبال معیارهای اخلاقی و عقاید خود باشند، ممکن است پیامدهای گسترده‌ای برای نظم اخلاقی در جوامع داشته باشد (Halman & van Ingen, 2015: 616-627). در این راستا افول باورهای مذهبی در کشورهایی با مبنای فکری سکولار به تغییر در دیدگاه‌های اخلاقی منجر شده است. در این میان اصراری که رویکرد و رویه قضایی کشورهای عمدتاً غربی در لغو مجازات‌های تاریخی از این انحراف اخلاقی ارائه داده‌اند، ضرورت مطالعه، تبیین و تحلیل گرایش‌های نامتعارف جنسی را بیش‌ازپیش کرده است؛ چرا که صحه گذاشتن جامعه جهانی به تبلیغات و تأکیدات حامی همجنس‌گرایی می‌تواند برای کانون تاریخی و فطری خانواده تهدیدی جدی باشد و به تبع آن تهدیدی برای ادامه نسل بشریت خواهد بود. در این بین، تمایل شدید مراجع قضایی غربی به عادی‌انگاری و حمایت از این پدیده شوم که در طول تاریخ به‌عنوان یک جرم اخلاقی مورد ملاحظه بوده می‌تواند جوامع را به سوی انحطاط اخلاقی سوق دهد. براین اساس، مطالعه رویکرد و رویه عملی مراجع و نهادهای حقوق بشری به این مسئله می‌تواند برای حاکمیت‌هایی که همچنان مبتنی بر دین، اخلاق و سنت‌های تاریخی هستند، انتهای مسیر مماشات و تسامح در قبال این انحرافات را آشکار سازد. در این خصوص پرسش این پژوهش این است که نظر اسلام به‌عنوان دینی مبتنی بر اخلاق^۲ در خصوص گرایش‌های نامتعارف جنسی^۳ چیست، رویه مراجع حقوق بشری بین‌المللی و قوانین داخلی کشورها راجع به این گرایش‌های چگونه است و این عملکردها و نگرش‌ها تا چه حد قابل جمع هستند.

۲. پیشینه پژوهش

نگاهی گذرا به پیشینه پژوهش نشان می‌دهد عمده نویسندگان حوزه حقوق بشر از ورود به این مسئله چالش‌برانگیز اجتناب کرده‌اند؛ خصوصاً اینکه مطالبی که به زبان فارسی نگاشته شده است یا با رویکرد حقوقی به مسئله نگاه نکرده یا اینکه این مسئله را از نگاه تطبیقی مطالعه نکرده است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر برای نیل به پاسخ پرسش‌های تحقیق، طی تحقیقی توصیفی-تحلیلی، رویکرد حقوقی دیدگاه اسلامی درباره این انحراف جدی از لایه‌های کتاب‌ها و منابع معتبر شیعی جست‌وجو شد. سپس رویه موجود در حوزه حقوق بین‌الملل بشر ملاحظه شد. به دلیل فراوانی و تعدد رویه‌های موجود در این حوزه در بین پرونده‌های دیوان اروپایی حقوق بشر، بر آرای این مرجع قضایی تأکید و درنهایت قوانین موضوعه کشورهای متعددی به‌عنوان نمونه برای تبیین مسئله ارائه شد.

۴. یافته‌های پژوهش

ارتکاب اعمال ناشی از گرایش‌های همجنس‌گرایانه که مخالف با طبیعت خلقت بشری زن و مرد است، در حوزه حقوق اسلامی مبتنی بر قرآن و احادیث، از بزرگ‌ترین معاصی و اعمال نامشروع اخلاقی هستند که به‌کرات بر ممنوعیت آن‌ها تأکید شده است. تصریح چندین‌بارۀ ماجرای قوم لوط و ممنوعیت همجنس‌گرایی در قرآن کریم، نشان از اهمیت حفظ خانواده به شکل قانونی و طبیعی آن دارد؛ چرا که در صورت اشاعه این فحشا در جامعه، با تهدیدی جدی برای موجودیت خانواده به معنی حقیقی آن و ادامه نسل بشری مواجهیم. براساس

^۱. Declining scope of religious authority

^۲. رسول گرامی اسلام (ص) فرمودند: إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ

^۳. منظور از این عبارت در نوشتار حاضر به‌طور خاص گرایش‌های نامتعارف همجنس‌گرایانه است. گرچه گرایش‌های نامتعارف دیگری هم وجود دارد، اما از باب غلبه و به جهت رعایت موازین اخلاقی به‌جای عبارت همجنس‌گرایی سعی شده بیشتر از عبارت «گرایش‌های نامتعارف جنسی» استفاده شود.

مطالعه پیش‌رو، وقتی این میل و گرایش ناصحیح شکل می‌گیرد، عملکردی پیش‌رونده دارد. همان‌طور که در عملکرد قوم لوط نیز این‌چنین بود. علاوه‌براین، براساس احادیث، یکی از عوارض تکوینی گرایش به همجنس این است که فرد طبیعت وجودی‌اش تغییر می‌یابد و گرایش به جنس مخالف را از دست می‌دهد. این امر در عملکرد همجنس‌گرایان چه در گذشته، چه امروز کاملاً مشهود است. علی‌رغم ممنوعیت شدید رفتارهای همجنس‌گرایانه در اسلام و همچنین در مبانی اخلاقی تاریخ بشر، امروزه شاهد دفاع و مساعدت برخی مراجع بین‌المللی در مورد این گرایش‌های نامتعارف هستیم؛ به‌طوری‌که جامعه جهانی که حدود ۱۶۰ سال پیش شاهد فراگیری مجازات‌های سنگین نسبت به همجنس‌گرایی بود، کم‌کم به سمت قبح‌شکنی این جرم تاریخی و شناسایی مشارکت‌های مدنی مبتنی بر همجنس‌گرایی روی آورد. در این راستا کشورهای متعددی که برای همجنس‌گرایی مجازات‌های سنگینی داشتند، چون انگلیس، فرانسه و... پس از حذف جرم‌انگاری همجنس‌گرایی، تا تغییر معنای تاریخی و همیشگی ازدواج و در نظر گرفتن این نهاد برای روابط غیرطبیعی بین همجنس‌گرایان پیش رفتند. این امر تا آنجا پیش رفت که نهادها و سازمان‌های بین‌المللی فعال در حوزه حقوق بشر و برخی از حاکمیت‌های مدافع همجنس‌گرایی، بر اعطای حقوق برابر به زوجین همجنس‌گرا با آنچه در تاریخ تحت عنوان خانواده متشکل از زن و مرد مدنظر ادیان بوده است، پافشاری کردند. آنان با ارائه تعریفی مجدد از عبارت برابری جنسیتی در معاهدات و اسناد بین‌المللی، سعی در این دارند که تمامی گرایش‌های جنسی نامشروع و نامتعارف را داخل در مصادیق عبارت برابری جنسیتی بدانند و با ارائه تفسیری موسع، آنچه ابتدا مدنظر جوامع بشری نبوده است در این عبارت بگنجانند و از این طریق سایر کشورهایی را که بر پایبندی به ارزش‌های خانوادگی تأکید دارند، ملزم به استانداردهای جدیدی کنند که خلاف طبیعت، ادیان و سنت‌های تاریخی بشری است. این در حالی است که این تفسیر موسع با مخالفت جدی بسیاری از کشورهایی که خانواده متشکل از زن و مرد را ارزشی اساسی برای بنیان جامعه خویش می‌دانند، خصوصاً کشورهای اسلامی مواجه است.

۵. بحث

۱-۵. گرایش‌های نامتعارف جنسی در دیدگاه اسلامی

یکی از اعمال ناپه‌نجار و قبیحی که به دلیل عواقب سوء بهداشتی^۱، اجتماعی و اخلاقی آن به شدت در آموزه‌های ادیان الهی منع شده، همجنس‌گرایی است. در دیدگاه اسلام نیز آیات متعددی از قرآن کریم^۲ و روایات فراوانی به این مهم تصریح دارد. در تعالیم اخلاقی اسلام، از روابط جنسی مردان تحت عنوان لواط و روابط مبتنی بر گرایش‌های نامتعارف جنسی زنان، تحت عنوان مساحقه^۳ یاد شده است. از جهت تاریخی به گواهی قرآن کریم^۴ اولین قومی که به این گناه مبتلا بودند، قوم لوط بودند. این قوم در برابر چشم یکدیگر و به صورت علنی و با آگاهی از زشتی این گناه، مرتکب آن می‌شدند.^۵ در حالی که هدفی جز شهوت نداشتند^۶ (Qaraati, 2009, Vol. 6: 436-437). در آیات متعدد قرآن کریم، قوم لوط به خاطر عملشان با اوصافی چون متجاوز^۷، مسرف^۸، فاسق^۹ و نادان^۱ یاد شده‌اند و وصف این عمل

۱. رک: عدنان، ۲۰۰۱ م: ۱۹۸-۲۰۰

۲. این عمل به عنوان یکی از گناهان کبیره اخلاقی بارها در قرآن کریم در آیات متعددی از سوره‌های «اعراف»، «هود»، «ذاریات»، «حجر»، «انبیاء»، «نمل» و «عنکبوت» و «قمر» و «شعراء» مورد تذکر و تکرار قرار گرفته و این تکرار خود نشانه اهمیت موضوع است.

۳. «جَعَفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ: السَّحْقُ فِي النِّسَاءِ بِمَنْزِلَةِ اللُّوَاطِ فِي الرِّجَالِ» (Ibn Ash'ath, undated: 135)

۴. «مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ» (عنکبوت/۲۸: اعراف/۸۰)

۵. «وَ تَأْتُونَ فِي نَادِيكُمْ الْمُنْكَرَ» (عنکبوت/۳۹)، «تَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَ أَنْتُمْ تُبْصِرُونَ» (نمل/۵۴)

۶. «شَهْوَةٌ مِنْ دُونِ النِّسَاءِ» (اعراف/۸۱)

۷. «بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ» (شعرا/۱۵۵)

۸. «بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ» (اعراف/۸۱)

۹. «قَوْمٌ سَوْءٌ فَاسِقِينَ» (انبیاء/۷۴)

تحت عناوین فاحشه^۲، اسراف، خباثت، فسق، تجاوز، چهل و قطع سبیل^۳ تصریح شده است. فاحشه عنوان عامی است برای انحرافات متنوعی که از قدر و حد شرعی و طبیعی‌ای که برای اشیا در نظر گرفته شده، تجاوز کند و برای انحرافات معینی که با تمایلات جنسی مرتبط است، مثل لواط، زنا، مساحقه و امثال آن گفته می‌شود (Fadlullah, 1999: 136). اسراف از این نظر که آن‌ها نظام آفرینش و خلقت زن و مرد را فراموش کرده و از حد قانون طبیعت تجاوز کردند؛ خبیث به معنی کار یا چیز آلوده‌ای که طبع سالم آدمی از آن تنفر دارد. فسق به معنی خروج از اطاعت پروردگار، نادان به‌خاطر بی‌خبری از عواقب شومی که این عمل برای فرد و جامعه دارد و بالأخره قطع سبیل بدین معنی که نتیجه شوم این عمل در صورت گسترش منتهی به قطع نسل انسانی می‌شود (Makarem Shirazi, 1952: 318). در تفسیر آیات مبارکه‌ای که شامل توصیه‌های حضرت لوط است، خطاب به همجنس‌گرایان چنین ذکر شده است: درحالی که خداوند برای شما همسرانی را صلاح دانسته که با طبیعت خلقتان هماهنگ است، ایشان را کنار زدید؛ لذا تجاوز کردید از آنچه خداوند برای شما حلال دانست، به‌سوی آنچه برای شما حرام می‌داند (Tabari, 1992: 64-65). با این عمل شنیع، مخالفت کردید با حکم فطرت و طبیعت و هدف از خلقت زن و مرد و رو به عملی آوردید که حیوانات و وحوش نیز از این عمل تنفر دارند (Mughniyeh, 2003: 513). در ادامه لوط (علیه‌السلام) قومش را به ازدواج فراخواند^۴، اما در پاسخ ایشان، بر عدم میل و رغبت به زنان و قصد نامشروع خویش تأکید کردند^۵. به این ترتیب یکی از دلایل بی‌سابقه‌نامیدن این عمل را می‌توان تبدیل آن از یک «کنش» به یک «گرایش» دانست (Makarem Shirazi, 1952, Vol. 18: 923). از این‌رو، لوط علیه‌السلام از عمل آنان شدت انزجار و نفرت خویش را آشکار ساخت. ولی پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: خاندان لوط را از شهرتان بیرون کنید؛ زیرا آنان مردمی هستند که پاکیزگی می‌جویند^۶. این سخن نشانگر این است که فحشا وقتی عادی شد، گناهکاران سعی می‌کنند سایرین را هم شبیه خود کنند و به مبارزه با افرادی بپردازند که پاک‌دامنی پیشه کرده‌اند. اینجا است که جامعه به سطحی از انحطاط می‌رسد که در اذهان عمومی آن جامعه، معروف منکر و منکر معروف می‌شود. بدین‌سان درنهایت این قوم گرفتار عذاب الهی شدند^۷ و خداوند سرگذشت اینان را آیه و نشانه‌ای برای عبرت همگان بیان فرمود^۸. قرآن کریم تأکید کرد که این سرگذشت برای کسانی که راه اینان را ببینند، دور نخواهد بود^۹. این تهدیدی است از جانب خداوند متعال برای کسانی که به این گرایش‌ها تمایل دارند و از آن اجتناب نمی‌کنند. از احادیث و تفاسیر آیات برمی‌آید که زنان قوم لوط نیز پس از اینکه مردانشان را در گناه غوطه‌ور دیدند، به مساحقه روی آوردند. به این ترتیب زنان نیز از مردان بی‌نیاز شدند. در تمامی این شرایط لوط علیه‌السلام مردان و زنان قوم خویش را موعظه کرد (Barqi, 1371, Vol.1:111). مساحقه نیز از مصادیق تعبیر فواحش در قرآن کریم است. خانی از حضرت امام صادق (ع) در مورد مساحقه سؤال کرد ایشان فرمودند: حد آن حد زانی است و نیز پرسید که آیا خداوند در قرآن به آن اشاره نکرده است. حضرت فرمودند چرا، آن‌ها «اصحاب الرس»^{۱۱} هستند^{۱۲} (Barqi, 1952, 324).

۱. «بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ» (نمل/۵۵)

۲. «وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ» (اعراف/۸۰، نمل/۵۴)

۳. «بَلْ لَنْتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ» (عنکبوت/۲۹)

۴. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع ... قَالَ عَرَضَ عَلَيْهِمُ التَّرْوِيجُ» (Kulayni, 1986, Vol.5:548)

۵. «... قَالَ يَا قَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ... قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكُمْ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ» (هود/۷۸-۷۹)

۶. «قَالَ إِنِّي لَعَلِّمَكُم مِّنَ الْقَالِينَ» (شعراء/۱۶۸) قالین به معنی عداوت شدیدی است که در اعماق دل و جان انسان اثر می‌گذارد (Makarem Shirazi, 1952, Vol.15: 324)

۷. «فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ» (نمل/۵۶)

۸. «وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ» (نمل/۵۸؛ شعراء/۱۷۳)

۹. «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً» (شعراء/۱۷۴)

۱۰. «وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بَبِيعِدٍ» (هود/۸۲)

۱۱. نام «اصحاب الرس»، در سوره قی آیه ۱۲ و سوره فرقان آیه ۳۸ آمده است. ایشان در یمامه زندگی می‌کردند و پیامبری به نام حنظله داشتند که پیامبرشان را تکذیب کردند و او را در چاه انداختند. چون «رس» به معنای چاه است، آن قوم را اصحاب رس نامیدند. برخی آنان را قومی می‌دانند که درخت صنوبر را معبود خود قرار می‌دادند و آن را می‌پرستیدند. امام صادق علیه‌السلام در مورد علت عذاب اصحاب رس فرمودند: زنانشان به زنان اکثفا می‌کردند (Qaraati, 2009, Vol.9: 213).

۱۲. «فَقَالَتِ الْمَرْأَةُ مَا ذَكَرَ اللَّهُ ذَلِكَ فِي الْقُرْآنِ قَالَ بَلَى... هُمْ أَصْحَابُ الرَّسِّ»

بیان قرآن در خصوص همجنس‌گرایی بیشتر در لواط ظهور داشته و بحث مساحقه به صورت پوشیده‌تری بیان شده است. (Vol.1:114; Clini, 2008, Vol.14:83; Ibn Babawayh, 1993, Vol.4:43). به نظر می‌رسد به دلیل حفظ حرمت و عفت زنانه، در روایات و احادیث شیعه نیز برای این نوع از انحرافات و گرایش‌های نامتعارف جنسی، مجازات و ممنوعیت‌های فراوانی ذکر شده است؛ به طوری که حتی کسانی که همجنس‌گرایی را حلال می‌شمارند، مورد عتاب واقع شده‌اند.^۱ همچنین مراحل خفیف همجنس‌گرایی دارای تعزیر و مورد نهی شدید است؛ برای نمونه حدیثی از پیامبر اکرم (ص) روایت شده که فرمودند هر که پسری را از روی شهوت ببوسد، خداوند در قیامت لجامی از آتش بر دهانش می‌زند (Kulayni, 2008, Vol.11:263). نهی اسلام در خصوص گرایش‌های نامتعارف جنسی به حدی رسیده است که به تصدیق حضرت امیر علیه‌السلام، در شرایطی هم‌ردیف کفر به خداوند متعال است (Barqi, 1952, Vol.1:112). همچنین در روایت دیگری بیان شده که حرمت لواط بسیار بزرگ‌تر از زنا است (Kulayni, 1986, Vol.5:543). در این راستا است سخن رسول خدا (ص) که از گرفتارشدن فرد لواط‌کننده به غضب الهی و سقوط وی در طبقات جهنم و فرود آمدن او به پایین‌ترین درکات آن و جاودان ماندن وی در سخت‌ترین طبقات جهنم خبر داده‌اند (Attarodi, 2005: 223). از جمله آسیب‌های تکوینی همجنس‌گرایی در احادیث نقل شده مردی که از روی اختیار در همجنس‌گرایی مشارکت کند، طبیعت وجودی‌اش تغییر می‌یابد و دارای شهوت زنانه می‌شود.^۲ (El-Barqi, 1952, Vol.1:113). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، تشریح الهی در مجازات همجنس‌گرایی خصوصاً لواط برای حفظ حق طبیعی زن و استحکام نهاد خانواده سخت‌گیرانه بوده است.^۳ (Sharif, 2001: 197). مجازات بسیار سنگینی نیز بر ارتکاب آن وضع شده است.^۴ حتی ممنوعیت‌هایی در خصوص ازدواج مرتکبان این اعمال با بستگان همدیگر در احکام اسلامی ملاحظه می‌شود.^۵ با این حال برای جلوگیری از اشاعه فحشا در جامعه، طریقه اثبات فواحش به صورت مؤکد و دشواری تنظیم شده است؛ به گونه‌ای که تشخیص پزشک در وقوع همجنس‌گرایی کافی نیست و حجیت شرعی ندارد؛ زیرا ثبوت همجنس‌گرایی منوط به اقرار یا شهادت چهار نفر با شرایط مخصوص است که به آن بینه گفته می‌شود و مجرد نظر پزشک در تشخیص اثبات این جرائم کافی نیست (Institution representing Supreme Leader in Lorestan University of Medical Sciences, 2018: 9). در ضمن شهادت شهود به کمتر از حدنصاب نیز ممکن است برای شهود، حد قذف داشته باشد و همه این موارد نشان از این مهم دارد که قصد شارع اسلامی از مجازات مرتکب، ابتدا عدم عادی‌سازی و اشاعه ندادن فواحش است.

در خصوص علت ممنوعیت همجنس‌گرایی دلایل متعددی در احادیث معصومین (ع) بیان شده است که به طور خلاصه علت ممنوعیت همجنس‌گرایی را در قطع نسل، اختلال و فساد در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اجتماعی و ازهم‌پاشیدگی زندگی و امور دنیا می‌دانند.^۶ شرح من لایحضره/الفتیحه علت حرمت همجنس‌گرایی و گرایش مردان به مردان و زنان به زنان را در ضرورت حمایت و حراست از نسب افراد و حفظ عطوفت و همکاری بین اعضای خانواده عنوان می‌دارد؛ زیرا اگر این عمل حلال می‌شد، خلقت تمایل زنان و مردان به هم عبث بود؛ بنابراین چنین فعلی تضييع ميل خدادادی و اسراف بزرگی است که جامعه را از وجود فرزندان صالحی که ارزش والای آنها قابل‌وصف نیست، محروم می‌کند (Majlesi, 1985, Vol.5:504). امام صادق (علیه‌السلام) نیز پس از تأیید مطالب فوق می‌فرماید در

۱. «لا تقوم الساعة حتى يرضخ الله رؤوس أقوام بكواكب من السماء يرميهم بها، باستحلالهم عمل قوم لوط» (Faqihi, 2008: 315)

۲. «من أمكن من نفسه طاعناً يلعب به ألقى الله عليه شهوة النساء»

۳. لقد تشدد التشريع الإلهي في معاقبة اللواط حفظاً لحق المرأة الطبيعي

۴. مجازات حدی همجنس‌گرایی از ۱۰۰ ضربه شلاق تا مجازات مرگ حسب مورد تعیین شده است (مواد ۲۳۳ - ۲۴۱ ق. م. ا). در تمامی مواردی که به اندازه اثبات حد نمی‌رسد، مرتکبان تعزیر خواهند شد. در این خصوص احادیث فراوانی وجود دارد؛ به‌طور مثال: «أبي عبد الله ع قال إن كان مُحْصَنًا فَعَلَيْهِ الْقَتْلُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ مُحْصَنًا فَعَلَيْهِ الْجُلْدُ قَالَ فَقُلْتُ فَمَا عَلَى الْمُوطِئِ قَالَ عَلَيْهِ الْقَتْلُ عَلَى كُلِّ حَالٍ مُحْصَنًا كَانَ أَوْ غَيْرَ مُحْصَنٍ. (Kulayni, 1986, Vol.7:198)؛ سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرَاتِينِ تُوْجَدَانِ فِي لِحَافٍ وَاحِدٍ؟ قَالَ (ع) تُجْلَدُ كُلُّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً» (Kulayni, 2008, Vol.14: 83)؛ دَخَلَ نِسْوَةٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَسَأَلَتْهُ أَمْرًا مِنْهُنَّ عَنِ السَّحْقِ فَقَالَ حَدُّهَا حَدُّ الزَّانِي» (Ibn Babawayh, 1993, Vol.4: 42).

۵. لواط‌کننده حق ندارد با مادر و مادر بزرگ و خواهر و دختر و نوه پسری لواط‌دهنده ازدواج کند (Rezaei Esfahani, 2002, Vol.2: 389).

۶. «عَلَّةُ تَحْرِيمِ الذُّكْرَانِ لِلذُّكْرَانِ وَالْإِنَاثِ لِلْإِنَاثِ ... مِنْ انْقِطَاعِ النَّسْلِ وَ فَسَادِ التَّدْبِيرِ وَ خَرَابِ الدُّنْيَا» (Ibn Babawayh, 1966, Vol. 2/547).

مجازش مردن عمل همجنس‌گرایی مفسده فراوانی وجود دارد^۱ (Ibn Shahr Ashub Mazandarani, 1960: 264). آثار زیان‌بار بهداشتی همجنس‌گرایی نیز می‌تواند جزئی از اسرار و حکمت‌های علمی این حکم باشد، اما نمی‌توان گفت که علت تام و منحصر صدور این حرمت است. ممکن است مفاصد و مصالح دیگری مثل ضررهای روحی و معنوی و اجتماعی نیز مورد نظر شارع بوده باشد که در صدور این حکم تأثیر داشته است؛ همان‌طور که ممکن است برخی از ضررهای این عمل هنوز کشف نشده باشد (Rezaei Esfahani, 2002, Vol.2: 391). در تأیید این سخن به فرمایش امام رضا (علیه‌السلام) اشاره می‌کنیم که ابتلای فرد به گرایش‌های جنسی نامشروع را موجب ابتلا به ۷۲ درد در دنیا و آخرت می‌دانند (Nouri, 1988, Vol.14:342). دردهای دنیا و آخرت اشاره به بیماری‌های جسمی، روحی و معنوی‌ای دارد که برای افراد مبتلا به همراه خواهد داشت.

۵-۲. نهادهای بین‌المللی حقوق بشر و گرایش‌های نامتعارف جنسی

امروزه به دلیل تمایلی که به دنبال تلاش‌های جنبش‌های حامی همجنس‌گرایی در برخی جوامع برای آزادسازی و سپس قانونی کردن گرایش‌های نامتعارف جنسی انجام شده، برخی از مراجع بین‌المللی در پرونده‌های قضایی مطروحه به این مسئله پرداخته‌اند، اما تعدد پرونده‌های دیوان اروپایی حقوق بشر در این حوزه موجب شد که در ادامه در یک بخش، دیدگاه برخی نهادهای بین‌المللی حقوق بشر و در بخشی دیگر، دیدگاه دیوان اروپایی حقوق بشر به صورت مجزا مطالعه شود.

۵-۲-۱. دیدگاه نهادهای بین‌المللی حقوق بشر

یکی از مراجع بین‌المللی که به این بحث در رویه خود پرداخته کمیته حقوق کودک است. کمیته مزبور جرم‌انگاری رفتار جنسی همجنس‌گرایان را نقض ماده ۲ کنوانسیون حقوق کودک در رابطه با عدم تبعیض می‌داند. همچنین کمیته حقوق کودک به کشورهای گامبیا، اریتره، ایران و سریلانکا توصیه کرد که «مفاد قانونی جرم‌انگاری همجنس‌بازی را لغو کنند» یا «رابطه همجنس‌گرایان را جرم‌زدایی کنند» (Gerber & Timoshanko, 2021: 15).

علاوه بر این، کمیسیون اروپا علیه نژادپرستی و ناپردباری^۲ در گزارشی خاطرنشان می‌کند که ماده ۲۲۶ قانون جزای ارمنستان (Criminal code of the republic of Armenia:art.226) فقط به ملیت، نژاد، و مذهب به‌عنوان ویژگی‌های قربانیان اعمال نژادپرستانه که به‌عنوان جرائم جنایی طبقه‌بندی می‌شوند، اشاره کرده و گرایش جنسی یا هویت جنسیتی را در میان دلایل ممنوعه ذکر نکرده است. از این رو کمیسیون بر آن است که این اضافات برای اطمینان از سطح مناسب حفاظت از افراد دگرباش جنسی ضروری است. همچنین تأکید می‌کند که انگیزه‌های ضد همجنس‌گرایی باید به‌عنوان عامل تشدیدکننده برای هر جرم عادی در نظر گرفته شود (ECRI, 2016, paras. 2, 25, 26). در تعدادی از گزارش‌های سالانه کمیساریای عالی سازمان ملل متحد (OHCHR) به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز بر این مسئله تمرکز شده است.^۳ کمیساریای عالی سابق، خانم ناوانتم پیلا، مکرراً تأیید کرد که گرایش جنسی و هویت جنسیتی در قوانین بین‌المللی حقوق بشر به‌عنوان زمینه‌های ممنوع تبعیض قاطعانه درج شده است. متأسفانه رویه‌های کمیسیون سابق حقوق بشر سازمان ملل و جانشین آن، شورای حقوق بشر سازمان ملل نیز اغلب تبعیض علیه افراد با گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسی متفاوت را محکوم می‌کنند (Hamzic, 2011: 244).

نکته حائز اهمیت اینکه آنچه ابتدا از برابری جنسیتی مدنظر بوده، در رویه این مراجع بین‌المللی دگرگون شده و به‌گونه‌ای تفسیر موسع می‌شود تا بتواند برابری همجنس‌گرایان را با سایرین در خود بگنجانند؛ چیزی که ابتدا در هنگام تنظیم و تدوین این اسناد بین‌المللی

۱. «لَوْ كَانَ إِتْيَانُ الْعُلَامِ حَلَالًا لَأَسْتَفْتَى الرَّجَالَ عَنِ النَّسَاءِ فَكَانَ فِيهِ قَطْعُ النَّسْلِ وَ تَعْطِيلُ الْفُرُوجِ وَ كَانَ فِي إِجَازَةِ ذَلِكَ فَسَادٌ كَثِيرٌ»

۲. European Commission against Racism and Intolerance (ECRI)

۳. A/HRC/44/26: High Commissioner's report to the Human Rights Council on the intersection of race and gender discrimination in sport (2020); A/HRC/29/23: High Commissioner's report to the Human Rights Council on discrimination and violence against individuals based on their sexual orientation and gender identity (2015); A/HRC/19/41: High Commissioner's report to the Human Rights Council on violence and discrimination based on sexual orientation and gender identity (2011); A/HRC/53/37: Report of the Independent Expert on protection against violence and discrimination based on sexual orientation and gender identity (2023).

مدنظر نبود^۱ و در اغلب جوامع با ممنوعیت مواجه بود. در این بین، کمیته حقوق بشر^۲ نیز در رویه خود بر این نگاه به همجنس‌گرایان صحه می‌گذارد و تصریح می‌کند: دولت عضو باید به‌طور رسمی اعلام کند که هیچ‌گونه انگ اجتماعی به همجنس‌گرایی، دوجنس‌گرایی، یا آزار و اذیت، یا تبعیض یا خشونت علیه افراد را به‌دلیل گرایش جنسی یا هویت جنسی آن‌ها تحمل نمی‌کند. دولت عضو باید تبعیض براساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی را ممنوع کند و از افراد دگرباش جنسی حمایت مؤثری کند (Human Rights Committee, no. 1558/2007, 2012, para. 10). کمیته مزبور که نهاد نظارتی میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است، در پرونده تونن علیه استرالیا، حکم داد که «ممنوعیت جنایی درمورد فعالیت جنسی همجنس‌گرایان، حتی اگر اجرا نشده باشد، به‌منزله مداخله غیرمنطقی در حریم خصوصی آقای تونن است». در تصمیم‌گیری درمورد این پرونده، کمیته حقوق بشر تصریح کرد که «از نظر کمیته، اشاره به جنسیت در بند ۱ ماده ۲ و ماده ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی باید دربرگیرنده گرایش جنسی تلقی شود» (Toonen v. Australia, 1994: para. 8.2, 8.7). حال آن‌که دلیل منطقی‌ای وجود ندارد که اثبات کند در زمان تصویب میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، قصد تدوین‌کنندگان از این عبارت این بوده که گرایش‌های نامتعارف جنسی را در حمایت این کنوانسیون قرار دهند و اصولاً این موضوع به‌قدری در جامعه بشری به‌عنوان مسئله‌ای غیراخلاقی شناخته می‌شد که در اغلب کشورهای عضو این معاهده، مجازات سختی برای همجنس‌گرایی وجود داشت. به این ترتیب، چون شناسایی مؤخر این پدیده نامتعارف مخالف معنایی است که ابتدا و در زمان تصویب از این عبارات مدنظر بوده، نمی‌توان تمامی اعضای این معاهده را ملزم به پذیرش بازتعریف کمیته از مواد ۲ و ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دانست. درواقع اگر کمیته حقوق بشر بخواهد این گرایش‌های نامتعارف را در متن میثاق حقوق مدنی و سیاسی بگنجانند، راهکار قانونی این است که صراحتاً در ضمن پروتکلی اختیاری این موارد را تصویب کند؛ چرا که اراده اولیه دولت‌ها نیز نگاهی بر این عبارات میثاق را افاده نمی‌کند؛ بنابراین الزام تمامی کشورهای عضو به این بازتعریفی که عکس‌العمل و مخالفت کشورهای متعددی را برانگیخته است، خلاف قاعده و برخلاف اصل حاکمیت دولت‌ها است.^۳

در این بین، سازمان همکاری کشورهای اسلامی OIC از جمله نهادهای بین‌المللی‌ای است که به مخالفت با همجنس‌گرایی پرداخته است. این سازمان بیانیه‌ای را منتشر کرد که ۴۵ کشور از اعضای سازمان همکاری کشورهای اسلامی^۴ و ۱۲ کشور دیگر (کره شمالی، اریتره، اتیوپی، فیجی، کنیا، مالاوی، رواندا، سنت لوسیا، جزایر سلیمان، سوازیلند، جمهوری متحد تانزانیا و زیمبابوه) امضا کردند و نماینده سوریه قرائت کرد. در این بیانیه کشورهای امضاکننده تأکید کردند که ما با نگرانی به تلاش‌ها برای ایجاد «حقوق جدید» یا «استانداردهای جدید» از طریق تفسیر نادرست اعلامیه جهانی حقوق بشر و معاهدات بین‌المللی برای گنجاندن چنین مفاهیمی، اشاره می‌کنیم که این مفاهیم هرگز توسط اعضای عمومی بیان نشده و مورد توافق قرار نگرفته‌اند. این تلاش‌ها نه تنها قصد تدوین‌کنندگان و امضاکنندگان این اسناد حقوق بشری را تضعیف می‌کند، بلکه کل چارچوب بین‌المللی حقوق بشر را به‌طور جدی به خطر می‌اندازد. ما از همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد و سازمان‌های غیردولتی می‌خواهیم که توجه ویژه و منابعی را برای حمایت از خانواده به‌عنوان «نهاد طبیعی و بنیادی جامعه»^۵ مطابق با ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر اختصاص دهند (Response to SOGI Human Rights Statement, 2008).

دیوان حقوق بشر کشورهای آمریکایی نیز در دهه‌های گذشته رویه‌ای در این حوزه نداشت، اما در سال‌های اخیر رویه‌ای در این حوزه شکل گرفته، مانند پرونده ویکی هراندز و همکاران علیه کشور هندوراس^۶ و نظریه مشورتی که دیوان حقوق بشر کشورهای آمریکایی بنا به درخواست کشور کاستاریکا در سال ۲۰۱۷ درمورد هویت جنسیتی، برابری و عدم تبعیض همجنس‌گرایان صادر کرد، در نظریه مزبور دیوان آمریکایی اعلام کرد که ۲۳ کشور عضو کنوانسیون حقوق بشر آمریکا باید ازدواج همجنس‌گرایان را قانونی کنند و به افراد اجازه

^۱. به‌عنوان نمونه رک: ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر

^۲. The Human Rights Committee (HRC)

^۳. رک: قواعد تفسیر معاهدات مندرج در ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین درخصوص حقوق معاهدات

^۴. Organization of Islamic Cooperation

^۵. The natural and fundamental group unit of society

^۶. Vicky Hernández et al. v. Honduras

دهند تا نام و نشانگر جنسیت خود را به صورت رسمی تغییر دهند و تمامی حقوق زن و مرد را در ازدواج برای همجنس‌گرایان به رسمیت بشناسند (Advisory Opinion OC-24/17, 2017). این در حالی است که همچنان در حوزه صلاحیت دیوان حقوق بشر کشورهای آمریکایی، کشورهایی هستند که همجنس‌گرایی را جرم‌انگاری کرده‌اند.^۱ این نظریه مشورتی هرچند فی‌نفسه الزام‌آور نیست، تفسیری از کنوانسیون ارائه می‌دهد که بر عقیده دولت‌های عضو تأثیرگذار است. پس از نظریه مشورتی دیوان، تا سال ۲۰۱۸، فقط هفت کشور قاره آمریکا ازدواج همجنس‌گرایان را قانونی کرده بودند: کانادا، ایالات متحده، کلمبیا، برزیل، اروگوئه، آرژانتین و تا حدودی مکزیک (دوازده ایالت مکزیک، به علاوه ناحیه فدرال مکزیکوسیتی). علاوه بر این، شیلی و اکوادور به ترتیب، اتحادیه‌ها و مشارکت‌های مدنی را برای زوج‌های همجنس مجاز می‌دانستند و مهم‌تر از همه، کنگره شیلی در حال بحث در مورد لایحه‌ای است که ازدواج همجنس‌گرایان را مجاز می‌کند^۲ (Socol, 2018). ولی متأسفانه هرچه پیش‌تر می‌رویم، این انحرافات اخلاقی بیش‌ازپیش قلمرو کشورهای قاره آمریکا را نیز درمی‌نوردد.

گفتنی است که تا پیش از دهه اخیر، گرایش کشورهای آمریکایی به قانونی کردن همجنس‌گرایی و شناسایی حقوقی ازدواج برای آنان بسیار اندک بود، اما با تلاش‌های جنبش‌های مدنی حامی گرایش‌های نامتعارف جنسی، در جهت ایجاد برابری با روابط مبتنی بر ازدواج زن و مرد و عادی‌سازی این جرم دیرینه که در طول تاریخ بشریت به عنوان یک عمل خلاف طبیعت در جوامع جرم‌انگاری می‌شد، شاهد توسعه این روابط و عادی‌سازی آن در بین کشورهای قاره آمریکا نیز هستیم.

۵-۲-۲. دیدگاه دیوان اروپایی حقوق بشر

در بین مراجع بین‌المللی حوزه حقوق بشر، یکی از مراجعی که بیشترین رویه را در این حوزه دارد و به ابعاد مختلف گرایش‌های نامتعارف جنسی پرداخته و در پرونده‌های متعددی سعی در بسط و گسترش این مفاهیم و عادی‌سازی آن در جوامع تحت صلاحیت خود و به تبع آن در سایر جوامع داشته است، دیوان اروپایی حقوق بشر است. با اینکه همچنان برخی کشورهای اروپایی همجنس‌گرایی را ممنوع یا با آن مخالفت کرده‌اند، دیوان معتقد است در مورد به رسمیت شناختن حق افراد در شناسایی صریح خود به عنوان همجنس‌گرا، لزبین یا هر اقلیت جنسی دیگر، و ارتقای حقوق و آزادی‌های ایشان، یک اجماع اروپایی وجود دارد. این در حالی است که دیوان با استناد به اجماع عمومی برخلاف رویه خود که در موضوعات حساس یا اخلاقی حاشیه انعطاف مضیقی را برای کشورها در نظر می‌گرفت، حاشیه انعطاف تفسیر گسترده‌ای را برای کشورها پذیرفته (Bayev et al. v. Russia, 2017: para.66) و در نتیجه روابط همجنس‌گرایان را به عنوان شکلی از زندگی خانوادگی شناسایی کرده است. در واقع از آنجا اینکه دیوان اروپایی حقوق بشر در رویه قضایی خود بارها بر این امر که مبنای تفکر حاکم بر این مرجع قضایی سکولاریسم است، تأکید کرده است، آنچه در رویه دیوان اروپایی حقوق بشر در خصوص گرایش‌های نامتعارف جنسی مشاهده می‌شود، با آنچه توسط ادیان ابراهیمی و رویه پیامبران الهی مورد تأکید و توصیه بوده کاملاً متفاوت است؛ بنابراین به دلیل محدودیت مقاله در ارائه پرونده‌های بررسی‌شده دیوان در این حوزه، در ادامه به عنوان نمونه بخشی از پرونده‌های مطروحه در این خصوص ارائه می‌شود.

۵-۲-۲-۱. پرونده بایف و دیگران علیه روسیه

در پرونده حاضر، خواهان‌ها سه تبعه روسی همجنس‌گرا بودند که به علت «فعالیت‌های عمومی باهدف ترویج همجنس‌گرایی در بین خردسالان» متهم و مجرم شناخته و جریمه شدند. در این پرونده خواهان‌ها ادعا می‌کردند روسیه با قانون تبلیغات همجنس‌گرایان، آزادی بیان آن‌ها را نقض کرده است. دولت تأکید کرد که محدودیت تبلیغ همجنس‌گرایی از این رو است که این امر موجب انکار ارزش‌های

^۱. دومینیک، گرانا، گویان و...

^۲. از بین چند کشوری که ذکر شد، نظریه مشورتی مطروحه برای کانادا، ایالات متحده و برزیل نیز الزام‌آور نبوده است؛ چرا که کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر را امضا یا تصویب نکرده‌اند (<https://treaties.un.org/pages/showdetails.aspx?objid=08000002800f10e1>).

سنتی خانواده شده و در مقایسه با خانواده سنتی، روابط همجنس‌گرایان با خطرات بیشتری برای سلامتی همراه است و مانع رشد جمعیت می‌شود (Bayev et al. v. Russia, 2017: para. 48). به این ترتیب در یک جامعه دموکراتیک این امر برای حفظ سلامت، اخلاق و حقوق افراد ضروری است؛ چرا که کنترل رفتار همجنس‌گرایانه، به منظور تأمین حفاظت در برابر استثمار و فساد افرادی که به دلیل جوانی آسیب‌پذیر هستند، ضرورت دارد. همچنین دولت روسیه به مسئله اخلاق عمومی اشاره و اعلام کرد که بین حفظ ارزش‌های خانوادگی به‌عنوان بنیان جامعه و تأیید پذیرش اجتماعی همجنس‌گرایی، ناسازگاری وجود دارد. اما دیوان اروپایی حقوق بشر با رد دفاعیات روسیه عنوان کرد که دلیلی نمی‌بیند که این عناصر را ناسازگار تلقی کند، با توجه به اینکه نسبت به درج روابط بین همجنس‌گرایان در مفهوم زندگی خانوادگی، تمایل عمومی فزاینده در جوامع اروپایی وجود دارد، دیوان با وجود تصدیق این واقعیت که در روسیه احساسات عمومی همجنس‌گرایی را تأیید نمی‌کند، حاشیه انعطاف تفسیر دولت را در این مورد محدود کرد و با رد دلایل منطقی دولت روسیه به نقض ماده ۱۴ در ارتباط با ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر رأی داد (Bayev et al. v. Russia, 2017: paras. 45, 48, 50, 67, 70, 84,) (89).

۵-۲-۲-۲. پرونده لیلیندال علیه ایسلند

لیلیندال خواهان این پرونده در برنامه رادیویی به‌صراحت از همجنس‌گرایی و گرایش‌های نامتعارف جنسی تحت عنوان انحرافات جنسی یاد کرد. به این ترتیب وی به دلیل اظهاراتش و با این بهانه که اظهارات وی عدم تحمل و انزجار از افراد همجنس‌گرا را ترویج می‌کند، در مراجع قضایی ایسلند محاکمه شد. پس از گذشت تمام مراحل قضایی داخلی و صدور حکم علیه مشارالیه و محکومیتش، به دیوان اروپایی حقوق بشر شکایت کرد که حکم دادگاه‌های داخلی علیه او، آزادی بیان او را نقض کرده است. دیوان نیز سخنان خواهان را تحت عنوان «سخنان مشوق تنفر»^۱ اعلام و استدلال دیوان عالی ایسلند را که سخنان خواهان را «جدی، به‌شدت آسیب‌رسان و مغرضانه»^۲ دانست، تأیید کرد و افزود حمایت از این گروه‌های خاص در برابر چنین سخنانی برای تضمین برخورداری آن‌ها از حقوق انسانی مساوی با سایرین، با سنت ملی دموکراتیک سازگار است. در ادامه اعلام کرد که تبعیض براساس گرایش‌های نامتعارف جنسی به همان اندازه جدی است که تبعیض نژادی یا تبعیض مبتنی بر رنگ پوست جدی و آسیب‌زا است. درنهایت دیوان، مجازات مالی ۸۰۰ یورویی را علیه کارل یوهان لیلیندال تأیید کرد (Lilliendahl v. Iceland, 2020: paras. 1-10, 39-46). همان‌طور که ملاحظه شد، دیوان اروپایی حقوق بشر در رویه خود نه‌تنها برخلاف مفهوم اولیه تبعیض مبتنی بر جنسیت، تبعیض براساس گرایش‌های همجنس‌گرایانه را در مفهوم ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر گنجانده، بلکه در این پرونده که اخیراً حکم آن صادر شده، پا را فراتر نهاد و تبعیض مبتنی بر گرایش‌های همجنس‌گرایانه را با تبعیض نژادی یکسان دانست.

۵-۲-۲-۳. پرونده آلکسیف و دیگران علیه روسیه

پرونده آلکسیف وکیل و روزنامه‌نگار روسی و دیگران در رابطه با ممنوعیت راهپیمایی‌های موسوم به رژه افتخار همجنس‌گرایان در سال‌های ۲۰۰۶، ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ در مسکو است. این پرونده توسط فعال دگرپاش جنسی سازمان‌دهنده راهپیمایی‌ها و ۵۰ نفر دیگر مطرح شد. آنان مدعی شدند ممنوعیت راهپیمایی‌ها ماده ۱۱ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در خصوص آزادی تجمع را نقض کرده است. در این پرونده دولت روسیه استدلال کرد که ممنوعیت‌ها هم به دلایل امنیت و نظم عمومی و هم برای حفظ اخلاق موجه است. همچنین دولت اضافه کرد که «ترویج همجنس‌گرایی در اماکن عمومی»^۳، منافع خردسالان و والدین آن‌ها را نقض می‌کند (Aleksyev et al. v. Russia, 2019: paras. 1-32). در پرونده مذکور، یکی از دلایل اصلی مقامات مسکو برای ممنوعیت راهپیمایی، این نکته بود که

1. Hate Speech

2. Serious, severely hurtful and prejudicial

3. Promotion of homosexuality in public places

رویدادهایی مانند موارد پیشنهادی توسط خواهان باید به‌عنوان نوعی تبلیغات که همجنس‌گرایی را ترویج می‌کند، محدود شود؛ زیرا با «دکترین‌های مذهبی»^۱ تثبیت‌شده‌ای که اکثریت جامعه روسیه از آن پیروی می‌کنند، ناسازگار است (Johnson, 2011: 588). همچنین به دلیل عدم توافق بین کشورهای متعهد در مورد پذیرش همجنس‌گرایی، مقامات داخلی در مورد اقداماتی که برای ارتقای منافع جامعه خود لازم می‌دانند، ارجحیت دارند که این نظر نیز از جانب دیوان رد شد (Johnson, 2011: 591) و در نهایت دیوان مدعی نقض حقوق خواهان‌ها نسبت به آزادی تجمع، آزادی بیان و منع تبعیض شد (Alekseyev et al. v. Russia, 2019: para. 118).

۵-۲-۲-۴. پرونده بیزاراس و لویکاس علیه لیتوانی

در سال ۲۰۱۵، پیجوس بیزاراس عکسی را در صفحه فیس‌بوک خود منتشر کرد که حاکی از رفتاری بود که آغاز رابطه نامتعارف و غیرطبیعی وی را با دوستش لویکاس^۲ نشان می‌داد. این تصویر در فضای مجازی بیش از ۸۰۰ نظر دریافت کرد. بیشتر نظرات آنلاین حاکی از نفرت و خشونت علیه همجنس‌گرایی بود و نظرات متعددی مستقیماً بیزاراس و لویکاس را تهدید می‌کردند (Beizaras & Levickas v. Lithuania, 2020: paras. 9-10). بیزاراس و لویکاس از اتحادیه همجنس‌بازان لیتوانی (LGL) درخواست کردند که به نام خود، دادستان کل را از اظهارات نفرت‌آمیز مطلع کند؛ زیرا آن‌ها معتقد بودند چنین نظراتی جنایی و مستحق تحقیقات پیش از محاکمه است. چند روز بعد، انجمن LGL شکایتی را به دادستانی کل تسلیم کرد و درخواست کرد در مورد نظرات ارسال شده در فیس‌بوک، رسیدگی کیفری آغاز شود (Beizaras & Levickas v. Lithuania, 2020: paras. 72-80). مقامات لیتوانی بر این عقیده بودند که نظرات، اگرچه گاهی مبتذل و غیراخلاقی است، جرم محسوب نمی‌شود و ارسال تصویر ابتدایی که بوسه همجنس را نشان می‌دهد، به‌خودی‌خود نوعی رفتار تحریک‌آمیز و غیرعادی است که به انسجام اجتماعی کمکی نمی‌کند؛ زیرا جامعه لیتوانی در کل ارزش‌های سنتی خانواده^۳ را بسیار تقدیر می‌کنند که طبق آن «خانواده یک ارزش اساسی است که از اتحاد یک مرد و یک زن تشکیل می‌شود»^۴. در پرونده مذکور، دادگاه منطقه کلایپدا اعلام کرد که ناسازگاری ادعایی بین حفظ ارزش‌های خانواده به‌عنوان پایه جامعه و پذیرش اجتماعی همجنس‌گرایی وجود دارد. به این ترتیب بیزاراس و لویکاس با این ادعا که امتناع مقامات داخلی از شروع تحقیقات در مورد نظرات نفرت‌انگیز منتشرشده در فیس‌بوک، تبعیض علیه آنان بوده، در دیوان اروپایی حقوق بشر طرح شکایت کردند. براین‌اساس دیوان در این پرونده با وجود اشاره به دیدگاه خود در پرونده کوزاک علیه لهستان^۵ بار دیگر بر اهمیت خانواده در معنای سنتی آن تأکید کرد و اعلام کرد حمایت از خانواده به معنای سنتی، اصولاً دلیلی سنگین و مشروع است که ممکن است تفاوت در رفتار را توجیه کند. اما علی‌رغم توجه به خانواده سنتی، به تحولات جامعه و تغییرات در ادراک اجتماعی، وضعیت مدنی و مسائل مربوط به ارتباطات اشاره می‌کند و نتیجه می‌گیرد که در حوزه زندگی خانوادگی یا زندگی خصوصی فقط یک راه یا یک انتخاب وجود ندارد. از این رو چون نظرات صفحه فیس‌بوک بر رفاه روانی خواهان‌ها تأثیر گذاشته است، در حوزه زندگی خصوصی آن‌ها قرار می‌گیرد (Beizaras and Levickas v. Lithuania, 2020: para. 117, 122)؛ بنابراین دیوان رویکرد راهبردی جامع از سوی مقامات برای مقابله با موضوع سخنان تنفرآمیز و همجنس‌گراهراسی را احراز نکرد و اعلام کرد که مقامات لیتوانی تعهدات مثبت خود را برای محافظت از افراد مورد نظر در برابر تبعیض (ماده ۱۴) در ارتباط با حق حریم خصوصی آن‌ها (ماده ۸) نقض کرده‌اند (Beizaras & Levickas v. Lithuania, 2020: paras. 155, 164). متأسفانه همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در دیدگاه قضات دیوان، تغییرات در درک اجتماعی و تحولات جامعه به‌قدری از اهمیت برخوردار است که می‌تواند در بایدها و نبایدهای اخلاقی تأثیر جدی داشته باشد و نکته قابل تأمل اینکه در پرونده‌های مربوط به گرایش‌های جنسی نامتعارف، دیوان برخلاف رویه‌ای که در مباحث حساس و اخلاقی پیش گرفته و در این موارد اختیار و حاشیه انعطاف

1. Religious doctrines

2. Mangirdas Levickas

3. the majority of Lithuanian society very much appreciate[d] traditional family values

4. family, as a constitutional value, [was] the union of a man and a woman

5. Kozak v. Poland (no. 13102/02, § 98, 2 March 2010)

6. the protection of the family in the traditional sense was, in principle, a weighty and legitimate reason that might justify a difference in treatment

گسترده‌ای را برای دولت‌ها در نظر می‌گیرد (Polat v. Austria, 2021: para. 78; Valdís Fjölfnisdóttir et al. v Iceland, 2021: para. 69-70)، از حاشیه انعطاف تفسیر و اختیار دولت‌ها به صلاحدید، به طرز توجیه‌ناپذیری می‌کاهد.

۵-۲-۲-۵. پرونده M.D. و Genderdoc-M علیه جمهوری مولداوی

موضوع این پرونده درگیری و ضرب و شتم مردی به نام A.P. علیه خواهان دوم پرونده است. A.P. اظهار داشت که وی گرایش نامتعارف خواهان دوم را به‌عنوان همجنس‌گرا از طریق مشاهده یک فیلم اینترنتی، شناسایی کرده است. خواهان مدعی بود که به دلیل همجنس‌گرابودن به وی توهین شده است. به این ترتیب خواهان دوم M.D. با این ادعا که مقامات مولداوی صرفاً به اظهارات دو طرف درگیری و گزارش پزشکی قانونی استناد کردند و به‌طور جدی این احتمال که بدرفتاری نسبت به او جنایت نفرت^۱ بوده را بررسی نکردند، به دیوان اروپایی حقوق بشر شکایت کرد. دیوان پس از بررسی مستندات پرونده اعلام کرد که مقامات از تعهدات رویه‌ای خود برای تحقیق در مورد حمله کوتاهی کرده‌اند؛ چرا که بنا بر نظر قضات دیوان، اظهارات و توهین‌های تبعیض‌آمیز به همجنس‌گراها باید به‌عنوان عاملی تشدیدکننده در بررسی بدرفتاری در پرتو ماده ۳ در نظر گرفته شوند (Genderdoc-M & M.D. v. the Republic of Moldova, 2021: paras. 11-16, 31-42). در این پرونده دیوان در حمایت از افرادی که گرایش‌های نامتعارف جنسی دارند، پیشروی کرد و نه تنها مجازات ارتکاب این اعمال را داخل در مصادیق ماده ۳ کنوانسیون دانست، بلکه حتی توهین لفظی و عملی به همجنس‌گرایان را به‌عنوان جرمی تحت عنوان جرم نفرت شناسایی و آن را داخل در مفهوم ماده ۳ کنوانسیون معنا کرد.

۵-۲-۲-۶. پرونده B و C علیه سوئیس

در این پرونده، خواهان آقای B تبعه کشور گامبیا، که در آن مجازات همجنس‌گرایی براساس قانون چهارده^۲ سال حبس بود، به دلیل گرایش جنسی نامتعارفش، به کشور سوئیس درخواست پناهندگی داد و به دنبال رد درخواست پناهندگی‌اش و تأکید دادگاه اداری فدرال سوئیس بر اینکه نیازی به ارزیابی وضعیت همجنس‌گرایان در گامبیا وجود ندارد، به دیوان اروپایی حقوق بشر شکایت کرد. دیوان در این قضیه تأکید کرد که گرایش جنسی B در صورت اخراج وی به گامبیا قابل کشف است و مقامات سوئیسی این مسئله را ارزیابی نکرده‌اند که آیا مقامات گامبیا می‌توانند و مایل به حمایت از افراد همجنس‌گرا در برابر بدرفتاری توسط بازیگران غیردولتی هستند یا خیر. در این پرونده، دیوان گرایش جنسی افراد را جزئی اساسی از هویتشان دانست و در راستای آزادسازی روابط جنسی نامتعارف اعلام کرد که هیچ‌کس نباید برای جلوگیری از آزار و اذیت، تمایلات جنسی خود را پنهان کند. سرانجام دیوان در این پرونده به نتیجه رسید که دادگاه‌های سوئیس به اندازه کافی حمایت دولت در برابر بدرفتاری بازیگران غیردولتی را ارزیابی نکرده‌اند و به این ترتیب در ۱۷ نوامبر ۲۰۲۰، دیوان اروپایی حقوق بشر در حکمی اعلام کرد که سوئیس ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در خصوص منع شکنجه را در مورد یک همجنس‌گرای گامبیایی نقض کرده است (B and C v. Switzerland, 2021: paras. 46, 57, 60-63, 82)؛ چرا که دیوان معتقد است استرداد پناهندگان به یک کشور غیراروپایی که در آن به دلیل تمایلات جنسی خود در معرض بدرفتاری قرار می‌گیرند، اگر به سطح شدت مورد نظر ماده ۳ برسد، نقض این ماده خواهد بود (Council of Europe, 2022: para. 27). در این چارچوب وقتی دیوان مجازات مربوط به گرایش‌های نامتعارف جنسی و رفتارهای ضد همجنس‌گرایی را داخل در مصادیق شکنجه می‌کند، استرداد افرادی را که مبتلا به این گرایش نامتعارف هستند به کشورهایی که خوف جدی مجازات مرتکبان این اعمال در آن کشورها وجود دارد، مصادیق ماده ۳ می‌داند. براساس این تفسیر، در موارد متعددی همجنس‌گرایانی که تبعه کشورهای هستند که همجنس‌گرایی در آن‌ها جرم‌انگاری شده است، پس از رد درخواست پناهندگی‌شان توسط کشورهای

^۱. A hate crime

^۲. با اصلاحات بند ۱۴۴ قانون کیفری گامبیا مجازات همجنس‌گرایی که از ۵ تا ۱۴ سال حبس بود، به حبس ابد تبدیل شد.

اروپایی، به دیوان شکایت کرده‌اند. مانند پرونده I.K علیه کشور سوئیس که در آن خواهان از سیرالتون به سوئیس پناهنده شد یا پرونده A.N علیه فرانسه که خواهان فردی همجنس‌گرا بود که از ترس مجازات توسط مقامات کشور سنگال به کشور فرانسه پناهنده شد. در این پرونده‌ها دیوان ادعای خواهان‌ها را به دلیل نادقیق و کلیشه‌ای بودن روایت رد و استدلال کرد که این افراد نتوانستند خطر واقعی را در بازگشت به کشورشان اثبات کنند (I.K. v. Switzerland, 2018: Summary; A.N. v. France,) (2016: paras. 1, 2, 45).

۵-۲-۲-۷. پرونده اوگانزوا در مقابل ارمنستان

در پی آتش‌سوزی باشگاهی در ارمنستان، دو برادر بازداشت شدند. آنان اظهار کردند پس از اطمینان از اینکه کسی داخل باشگاه نمانده آن را به آتش کشیده‌اند؛ به این دلیل که باشگاه مزبور محل تجمع همجنس‌گرایان بوده است. خواهان پرونده یک لژیون بود که در راهپیمایی همجنس‌گرایان در استانبول نیز شرکت کرده بود. دیوان اروپایی حقوق بشر در این خصوص اعلام کرد که رفتاری که مبتنی بر یک سوگیری مستعد از جانب اکثریت دگرجنس‌گرا علیه اقلیت همجنس‌گرا باشد، می‌تواند در محدوده ماده ۳ قرار گیرد و اظهارات و توهین‌های تبعیض‌آمیز در هر صورت باید به‌عنوان یک عامل تشدیدکننده در نظر گرفته شود. همچنین اضافه کرد که در پرونده حاضر انگیزه نفرت از همان ابتدا، حتی قبل از شروع تحقیقات پلیس آشکار بود. با وجود این، مقامات این جنایت را صرفاً «خسارت عمدی به اموال» توصیف کردند؛ زیرا مکانیسمی در قوانین کیفری داخلی وجود نداشت که تبعیض به دلیل گرایش جنسی و هویت جنسی، باید به‌عنوان انگیزه مغرضانه و عامل تشدیدکننده در ارتکاب جرم تلقی شود. در نهایت دیوان اعلام کرد که دولت تعهدات مثبت خود برای تحقیق در مورد انگیزه‌های ضدهمجنس‌گرایانه را به شیوه‌ای مؤثر انجام نداده است (Oganezova v. Armenia, 2022, paras. 17-). همان‌طور که ملاحظه شد، دیوان به حدی متعصبانه مسئله را تحلیل کرده که حتی انگیزه‌های ضدهمجنس‌گرایی در اختلافات شخصی را به‌عنوان عوامل تشدیدکننده جرم و مجازات پذیرفته و در سطحی آن را در محدوده ماده ۳ کنوانسیون قرار داده است.

۵-۲-۲-۸. پرونده فدوتووا و دیگران علیه روسیه

این پرونده مربوط به شش فرد همجنس‌گرا در روسیه است که با تقاضای ثبت و اعلام ازدواج به ادارات محلی کشورشان رجوع کردند، اما ثبت و اعلام ازدواج آن‌ها به این دلیل که قانون داخلی روسیه به‌درستی ازدواج را به‌عنوان «اتحاد داوطلبانه زناشویی بین یک مرد و یک زن»^۱ تعریف کرده و زوج‌های همجنس را مستثنا می‌کند، رد شد؛ بنابراین خواهان‌ها این تصمیم را به چالش کشیدند اما موفق نشدند. در ادامه آنان با این ادعا که ثبت رسمی روابط آن‌ها غیرممکن شده و از این‌رو، در خلأ قانونی قرار گرفته، از حمایت‌های قانونی محروم شده‌اند و در زندگی روزمره با مشکلات اساسی مواجه می‌شوند، به دیوان اروپایی حقوق بشر شکایت کردند (Fedotova et al. v. Russia, 2023: para. 24-44). در این قضیه دولت روسیه دلایلی را مطرح کرد که قابل‌تأمل است. دولت اعلام کرد که خانواده، مادری و کودکی، در درک سنتی خود، ارزش‌های اساسی در سیستم داخلی روسیه را تشکیل می‌دهند و مستلزم حمایت و حفظ ویژه هستند. حفظ خانواده سنتی ذاتاً با هدف حفظ و توسعه نژاد بشر مرتبط است. علاوه‌براین، هدف حمایت از ارزش‌های سنتی خانواده با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیز ناسازگار نیست؛ چرا که رویه قضایی دیوان همیشه اهمیت حفظ سنت‌ها و تنوع فرهنگی را تأیید کرده است (Fedotova et al. v. Russia, 2023: para. 115-116). دولت روسیه علاوه‌براین اظهار داشت که هیچ اجماع اروپایی در

^۱. voluntary marital union between a man and a woman

موضوع به رسمیت شناختن و حمایت قانونی از زوج‌های همجنس وجود ندارد؛ زیرا فدراسیون روسیه و شانزده کشور عضو شورای اروپا^۱ به این زوج‌ها به هیچ‌وجه سند قانونی ازدواج اعطا نمی‌کنند. همچنین دولت عنوان کرد که تأیید ازدواج برای زوج‌های همجنس مغایر با قانون اساسی و سیاست عمومی روسیه است. مضافاً با اشاره به نتایج نظرسنجی‌هایی که در سال ۲۰۲۱ توسط مراکز مختلف انجام شد، بر این امر تأکید کرد که زمان مناسبی برای جامعه روسیه جهت پذیرفتن شناسایی قانونی زوج‌های همجنس نیست؛ چرا که این نظرسنجی‌ها نشان داد ۶۹ درصد از شهروندان روسیه نسبت به افراد همجنس‌گرا بی‌تحمیل‌اند و نه تنها با شناسایی ازدواج آن‌ها، بلکه با هر شکلی از شناسایی این گرایش‌های نامتعارف مخالف هستند. علاوه بر این، براساس داده‌های آماری منتشرشده توسط مرکز تحلیلی لوادا، ۵۹ درصد از روس‌ها معتقد بودند همجنس‌گرایان نباید از حقوقی برابر با افراد دگرجنس‌گرا برخوردار شوند. به این ترتیب دولت روسیه از دیوان خواست تا در بررسی پرونده، به نگرش اکثریت جامعه روسیه به همجنس‌گرایان توجه کند (Fedotova et al. v. Russia, 2023: para. 111-118). اما علی‌رغم استدلال‌ات روسیه، دیوان به رویه سابق خود اشاره و به اتفاق آرا عملکرد روسیه را نقض ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر دانست (Fedotova et al. v. Russia, 2023: para. 230).

۵-۲-۲-۹. پرونده X و دیگران علیه اتریش

این پرونده راجع به دو زن همجنس‌گرا است که در خصوص رد درخواست فرزندخواندگی فرزند خواهان اول پرونده با خواهان سوم به دیوان اروپایی حقوق بشر مراجعه کردند. محتویات پرونده حاکی از این است که براساس قوانین فرزندخواندگی در اتریش، فرزندخواندگی فقط به زوجینی تعلق می‌گیرد که زن و مرد باشند و در صورت پذیرش فرزندخواندگی برای خواهان سوم، رابطه قانونی فرزند با مادر بیولوژیکی‌اش باید قطع شود؛ چرا که براساس قانون مدنی اتریش هر شخصی که فرزندخواندگی را می‌پذیرد، جایگزین والدین بیولوژیکی همجنس خود می‌شود. در این پرونده برای اولین بار دیوان حق فرزندخواندگی را برای مادر دوم به رسمیت شناخت. این در حالی است که این امر در اکثر کشورها منع قانونی دارد؛ همان‌طور که در قوانین اتریش نیز این چنین است (X et al. v. Austria, 2013: para. 9-153).

۵-۲-۳. مواجهه با گرایش‌های نامتعارف جنسی در رویه قانونی کشورها

در کشورهای مختلف برخورد نظام حقوقی با افراد دارای گرایش‌های نامتعارف و نامشروع جنسی، متفاوت است. از تعریف خانواده به‌عنوان اتحاد زن و مرد و عدم شناسایی قانونی همجنس‌گرایی، پیش‌بینی مجازات برای همجنس‌گرایی تا به رسمیت شناختن قانونی ازدواج برای همجنس‌گرایان در نظام‌های حقوقی مختلف ملاحظه می‌شود. به این ترتیب به دلیل ظرفیت محدود مقاله، برای تنویر ذهن به مواردی از قوانین کشورهایی که در این دو دسته قرار می‌گیرند اشاره می‌شود. از جمله کشورهایی که نهاد خانواده را متشکل از زن و مرد می‌دانند، جمهوری اسلامی ایران، پاکستان، عربستان سعودی، سوریه، روسیه، توگو و کامرون و چاد و برونه‌ای، اریتره، اتیوپی، کنیا، ترکمنستان، ازبکستان، عراق، کویت، عمان، قطر، امارات، یمن، افغانستان، بنگلادش، مالدیو، سریلانکا، مالزی، میانمار سومالی، سودان شمالی، تانزانیا، اوگاندا و مالاوی^۲ است. یکی از کشورهایی که نهاد خانواده را به شکل طبیعی و سنتی آن حمایت کرد، کره شمالی است. در این کشور، هیچ مقرره‌ای وجود ندارد که ازدواج همجنس‌گرایان را به رسمیت بشناسد (Kim, 1973: pp. 906-917). لیتوانی نیز از کشورهایی است که به تعریف خانواده به پیوند زن و مرد در قانون می‌پردازد و روابط همجنس‌گرایان را رسمیت نمی‌دهد. ماده ۳۸ قانون اساسی لیتوانی مقرر داشته: «ازدواج با رضایت متقابل آزادانه زن و مرد منعقد می‌شود» (Constitution of the Republic of Lithuania, 1992).

۱. آلبانی، ارمنستان، آذربایجان، بوسنی و هرزگوین، بلغارستان، گرجستان، لتونی، لیتوانی، جمهوری مولداوی، مقدونیه شمالی، لهستان، رومانی، صربستان، اسلواکی، ترکیه و اوکراین.

۲. مجازات همجنس‌گرایی در این کشور تا ۱۴ سال حبس برای مردان و تا ۵ سال حبس برای زنان مقرر شده است.

همچنین در ماده ۳،۱۲ قانون مدنی لیتوانی، ازدواج همجنس‌گرایان صراحتاً ممنوع شده و آمده است: «ازدواج فقط با جنس مخالف منعقد می‌شود» (ivilinis kodeksas, Priėmimo, 2000-07-18).

با وجود تلاش‌هایی که در اروپا برای عادی‌سازی و قانونی کردن همجنس‌گرایی و در سطح بالاتر جرم‌انگاری نفرت علیه همجنس‌گرایان صورت گرفته است، هنوز هم تعداد زیادی از کشورهای عضو شورای اروپا هستند که ازدواج را در معنای اتحاد زن و مرد معنا می‌کنند و ازدواج همجنس‌گرایان را به رسمیت نشناخته‌اند. مجارستان یکی از کشورهای اروپایی است که در قانونش خانواده به‌عنوان پیوند زن و مرد معنا شده و در آن ازدواج همجنس‌گرایان ممنوع است. در ۱ ژانویه ۲۰۱۲، قانون اساسی جدید مجارستان اجرا شد که ازدواج را برای زوج‌های جنس مخالف محدود می‌کند و هیچ تضمینی برای حمایت از تبعیض به‌دلیل گرایش جنسی در آن وجود ندارد. در ژوئن ۲۰۲۱، مجارستان قانون ضد دگرباشان جنسی را تصویب کرد که در آن ممنوعیت تبلیغات همجنس‌گرایی نیز تصریح شده است (Hungary - Act LXXIX of 2021). ماده ۵۱ قانون اساسی اوکراین نیز خانواده را اتحادی متشکل از زن و مرد تعریف می‌کند و هیچ شناسایی حقوقی‌ای برای ازدواج همجنس‌گرایان و حتی هیچ نوع شناسایی محدودتری برای زوج‌های همجنس ارائه نمی‌دهد (Constitution of Ukraine, 1996). لهستان نیز یک کشور اروپایی و تحت تأثیر اخلاق مبتنی بر مذهب کاتولیک است. ماده ۱۸ قانون اساسی این کشور هم ازدواج را پیوند زن و مرد تعریف می‌کند. البته تحت تأثیر فرهنگ اروپایی، در قوانین عادی، تبعیض شغلی را نسبت به گرایش‌های نامتعارف جنسی نمی‌پذیرند و اتحادیه‌های مدنی بین همجنس‌گرایان را مجازات نمی‌کنند (Constitution of the Republic of Poland, 1997). در عین حال این کشور در پرونده‌های متعددی که به طرفداری همجنس‌گرایان در دیوان اروپایی حقوق بشر مطرح شد، محکوم شده است و این امر نشان می‌دهد هنوز با استانداردهای اروپایی در این خصوص فاصله خود را حفظ کرده است. علاوه‌براین، در بند ۱ ماده ۳۰ قانون اساسی گرجستان مصوب ۲۰۱۸ نیز ازدواج، اتحاد زن و مرد به‌منظور تشکیل خانواده معنا شده است (Constitution of Georgia, 2018). روسیه نیز تا سال ۲۰۲۲ عضو شورای اروپا بوده است.^۲ بند ۱ ماده ۷۲ قانون اساسی روسیه مصوب ۲۰۲۱، از خانواده، مادری، کودکی و ازدواج به‌عنوان اتحاد یک مرد و یک زن حمایت می‌کند (The Constitution of the Russian Federation: art.72(1)(g1)). علاوه‌براین، ترکیه یکی کشورهایی است که قسمتی از آن در قاره اروپا واقع شده و از قدیم‌الایام همجنس‌گرایی در این کشور جرم بوده است، اما در سال ۱۸۵۸ امپراتوری عثمانی قانون جزایی جدیدی را تصویب کرد که دیگر هیچ ماده صریحی در مجازات همجنس‌گرایی ندارد (Hussain, 2011: 10). این در حالی است که در همان ایام، در بسیاری از کشورهای اروپایی هم ارتکاب چنین رفتارهایی جرم محسوب می‌شد. اما با وجود پیشروی به‌سمت قبح‌زدایی از همجنس‌گرایی پس از اقدام به سکولاریزه‌شدن این کشور مسلمان، هنوز هم چیزی تحت عنوان ازدواج همجنس‌گرایان در قوانین داخلی ترکیه به رسمیت شناخته نشده است. حتی تلاش گروه‌های مدافع همجنس‌گرایی برای گنجاندن حمایت‌هایی برای این روابط در اصلاحات قانون اساسی به نتیجه نرسید. نکته حائز اهمیت اینکه در قوانین ترکیه مواردی ملاحظه می‌شود که از این اعمال جلوگیری شده است؛ به‌عنوان نمونه طبق قانون انضباط نیروهای مسلح ترکیه، همجنس‌گرایی زمینه‌ای برای اخراج افسران، درجه‌داران و دانشجویان نظامی است (Turkish Armed Forces Disciplinary Law, 2013). اما علی‌رغم جمعیت فراوان اسلام‌گرا در ترکیه، این کشور در این خصوص رویه‌ای سکولار پیش گرفته و همان‌طور که بیان شد، جرم‌انگاری و مجازاتی که در این زمینه وجود داشت، لغو شد. با وجود عضویت ترکیه در سازمان همکاری‌های اسلامی نیز این کشور بیانیه‌ای را که علیه همجنس‌گرایی در سال ۲۰۰۸ توسط اعضای این سازمان صادر شد امضا نکرده است.^۳

در این بین، تلاش‌های حامیان همجنس‌گرایی متأسفانه به جایی رسیده است که در بسیاری از کشورها این جرم اخلاقی، قانونی شده است. از جمله این کشورها می‌توان از کانادا، مکزیک، کوبا، آرژانتین، بولیوی، برزیل، شیلی، کلمبیا، اکوادور، اروگوئه، تایوان، استرالیا،

^۱. D.A. and Others v. Poland, Application no. 51246/17, 8 July 2021

^۲. براساس قطعنامه ۲(۲۰۲۲)CM/Res کمیته وزیران، روسیه در سال ۲۰۲۲ از اتحادیه اروپا اخراج شد.

^۳. رجوع کنید به ص ۷ مقاله حاضر

آلمان، سوئیس، دانمارک، فنلاند، ایسلند، نروژ، سوئد، پرتغال، اسپانیا، بلژیک، فرانسه، ایرلند و ایالات متحده آمریکا نام برد که از کشورهای هستند که همجنس‌گرایی در آن‌ها قانونی است. برخی از این کشورها تا جایی پیشروی کرده‌اند که روابطی را که در طول تاریخ، توسط ادیان و نگرش‌های مختلف تقبیح می‌شد، امروزه تحت قالب ازدواج مابین این افراد به رسمیت شناخته‌اند.

هلند یکی از کشورهای پیشرو در گرایش‌های نامتعارف و غیرطبیعی همجنس‌گرایی است؛ به طوری که حتی سال‌ها است برای منع تبعیض و رفتار برابر در خصوص همجنس‌گرایان قوانین مدون دارند؛ به‌عنوان نمونه، قانون رفتار برابر ۱۹۹۴، تبعیض ناشی از گرایش جنسی را در همه زمین‌ها چون اشتغال و مسکن ممنوع می‌کند (Netherlands Equal Treatment Act, 1994). این کشور اولین کشوری بود که ازدواج همجنس‌گرایان را در سال ۲۰۰۱ به رسمیت شناخت. پس از آن بلژیک در سال ۲۰۰۳ دومین کشوری بود که ازدواج را برای این جرم و خطای تاریخی قانونی کرد (Patton-Imani, 2020: 15).

نکته‌ای که نشان از قبح تاریخی این فعل مذموم دارد این است که بسیاری از کشورهایی که همجنس‌گرایی را در قوانین خود در سال‌های اخیر به رسمیت شناخته‌اند، در سابقه تاریخی خود نسبت به این پدیده خلاف طبیعت، جرم‌انگاری داشته‌اند؛ به‌عنوان نمونه، در فرانسه قبل از انقلاب کبیر، لواط جرم‌انگاری شده بود و جرم سنگینی بود؛ به طوری که در ژوئیه ۱۷۵۰ ژان دیو و برونو لنوآر که مرتکب همجنس‌گرایی بودند در میدان گرو پاریس به آتش کشیده شدند (Grau, 2011: 149 à 152). اما طی تلاش‌های فراوان جنبش‌های حامی همجنس‌گرایی در ۱۷ مه ۲۰۱۳ با امضای رئیس‌جمهور، ازدواج همجنس‌گرایان در این کشور قانونی شد (French Constitutional Council, 2013). در آلمان نیز همجنس‌گرایی در گذشته جرم‌انگاری شده بود (StGB, 1871: Para. 175). اما در سال ۲۰۱۷ در این کشور ازدواج همجنس‌گرایان قانونی شد (Gesetz zur Einführung des Rechts auf Eheschließung für Personen gleichen Geschlechts, 2017). آن‌ها حتی فرزندخواندگی را برای همجنس‌گرایان مجاز می‌دانند (Act on Registered Life Partners, 2005: Section 9(7)). در انگلستان نیز قانون همجنس‌گرایی ۱۵۳۳ که همجنس‌گرایی را جرم‌انگاری می‌کرد و حداکثر مجازات آن مرگ بود (Buggery Act, 1533)، تا سال ۱۸۶۱ به قوت خود باقی ماند. در آن روزگار در انگلستان تلقی از همجنس‌گرایی به‌عنوان یک انحراف جنسی وجود داشت (Grosclaude, 2016: 5-7). بخش ۶۱ قانون جنایات علیه شخص ۱۸۶۱ مجازات اعدام برای همجنس‌گرایی را حذف و حبس را جایگزین آن کرد (Offences Against the Person Act, 1861: section 61). اما امروزه قانون ازدواج (همجنس‌گرایان) مصوب ۲۰۱۳ ازدواج همجنس‌گرایان را در انگلستان و ولز مجاز دانسته است. این قانون که در ۲۰۱۴ لازم‌الاجرا شد (UK Public General Acts, Marriage Act 2013)، رویه‌ای خلاف سنت اخلاقی دیرینه انگلستان را نشان می‌دهد.

در این بین، بسیاری از کشورهایی که همجنس‌گرایی را پذیرفته‌اند، فرزندخواندگی را برای والد دومی که در رابطه همجنس‌گرایی است، مجاز نمی‌دانند. تا ده سال گذشته، صرفاً شش کشور این مسئله را برای هر دو نفری که در این رابطه نامتعارف و غیرطبیعی بودند، مجاز می‌دانستند (X et al. v. Austria, 2013: para. 57).^۱ به‌عنوان نمونه، اتریش که مشارکت مدنی همجنس‌گرایان را در سال ۲۰۰۹ براساس قانون قانونی شمرده است (Registered Partnership Act, 2009)، ازدواج را بین زن و مرد تعریف کرده (Civil Code, 1811: Art. 44) و فرزندخواندگی را تنها در شرایطی می‌پذیرد که زوجین زن و مرد باشند (Civil Code, 1811: Art. 137b, 138) و تفاوت‌هایی بین ازدواج و مشارکت مدنی باقی گذاشته است که مهم‌ترین آن‌ها مربوط به حقوق والدین است. از این رو، مسیرهای کمک باروری در این کشور صرفاً برای زوج‌های با جنس‌های متفاوت در دسترس است (Artificial Procreation Act, 1966: section 2(1)). تعدادی از کشورهایی نیز که ازدواج را برای همجنس‌گرایان به رسمیت شناخته‌اند، حقوقی جهت لقاح مصنوعی و دسترسی به فناوری‌های کمک باروری به این افراد اعطا کرده‌اند. البته به جهت ضرورت حفظ منافع کودکان، این امر شیوع کمتری دارد. همان‌طور که ملاحظه شد، این عمل چنان خلاف عقل و طبیعت انسانی است که حتی بسیاری از دیدگاه‌هایی که این امر را مجاز می‌دانند، برای

۱. تا سال ۲۰۱۳، تعداد ۳۵ کشور اروپایی اجازه فرزندخواندگی را به زوجین همجنس‌گرا ندادند (Nozawa, 2013: 72).

حفظ منافع کودکان از آسیب‌های تربیتی حتمی رفتارهای خلاف طبیعت انسانی، در خصوص امکانات مربوط به پذیرش فرزندخوانده و تولیدمثل آزمایشگاهی، محدودیت‌هایی برای این قشر قائل هستند.

همان‌طور که بیان شد، کشورهای زیادی نیز که برای اعمال مبتنی بر گرایش‌های نامتعارف جنسی، مجازات‌های سنگینی را مقرر کرده‌اند، عمدتاً کشورهایی هستند که بر اهمیت خانواده به‌عنوان نهاد پایه‌ای جامعه اذعان دارند. اغلب این‌ها کشورهای اسلامی هستند که قوانین داخلی‌شان هم‌راستا با آموزه‌های تاریخی ادیان الهی خصوصاً براساس مبانی شرعی اسلامی است. یکی از این کشورها، جمهوری اسلامی ایران است که در خصوص اعمال مبتنی بر گرایش‌های نامتعارف جنسی مجازات‌های مختلفی را مقرر کرده است. همجنس‌گرایی در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ از جمله جرائم حدی است که اثبات آن با دلایل محکم و شواهد متقن صورت می‌پذیرد و در صورتی که شاهدان به حدنصاب نرسند یا شهادت مبتنی بر مشاهده نباشد، شاهدان به مجازات حد قذف محکوم می‌شوند. براین‌اساس گفتنی است که این امر چنان خلاف فطرت و قواعد حقوقی است که حتی شهادت‌دادن به آن نیز باید با احتیاط صورت گیرد. به این ترتیب اثبات این عمل در نظام حقوقی ایران که مبتنی بر شریعت اسلام است، بسیار سخت است. همجنس‌گرایی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تحت سه عنوان لواط، تخیذ و مساحقه، جرم‌انگاری شده است و از ۱۰۰ ضربه شلاق تا اعدام برای آن مجازاتی حسب مورد تعیین شده است (مواد ۲۳۳ - ۲۴۱ ق. م. ا.).

در قوانین کشور الجزایر نیز همجنس‌گرایی از سال ۱۹۶۶ غیرقانونی اعلام شده و برای ارتکاب چنین اعمالی در مواد ۳۳۸ و ۳۳۳ قانون مجازات این کشور حبس و جزای نقدی پیش‌بینی شده است (Algeria Penal Code, 1966). در مصر هم برای ارتکاب همجنس‌گرایی و مهیاکردن شرایط ارتکاب، حبس و جزای نقدی مقرر شده است (Carroll, Ramón Mendos, 2017, 85). لیبی نیز از کشورهایی است که همجنس‌گرایی در آن غیرقانونی است و براساس ماده ۴۰۷ (۴) قانون مجازات (۱۹۵۳) مرتکبان اعمال جنسی نامتعارف همجنس‌گرایانه به حبس از ۵ تا ۱۵ سال محکوم می‌شوند (Libyan Penal Code, 1953).

نظام حقوقی عربستان مبتنی بر فقه حنبلی به‌عنوان مذهب رسمی کشور است؛ بنابراین در خصوص مجازات‌های اسلامی شامل قصاص، حدود، دیات و تعزیرات در عربستان قانون مدونی وجود ندارد و قضات باید بر مبنای مذهب حنبلی که مجازات لواط را مرگ می‌داند، حکم صادر کنند. این مسئله در ماده ۱ قانون آیین دادرسی کیفری، ماده ۱ قانون دادگستری و ماده ۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های شرع تصریح شده است (Law of Criminal Procedure, 2001; Law of Procedure before Sharia Courts, 2000). قانون مجازات افغانستان نیز در مواد ۶۴۵ تا ۶۴۹ برای انواع روابط نامتعارف جنسی مجازات حبس را پیش‌بینی کرده است (Afghanistan's Penal Code, 2017). قانون جزای گامبیا براساس مواد ۱۴۴، ۱۴۵ و ۱۴۷ بیان می‌کند که روابط همجنس‌گرایانه برای مردان و زنان غیرقانونی است و بین ۵ تا ۱۴ سال حبس دارد. در سال ۲۰۱۴ یک اصلاحیه برای بند a ماده ۱۴۴ A توسط پارلمان تصویب شد که در آن جرم «همجنس‌گرایی تشدید شده» که مجازات آن حبس ابد است (Gambia Criminal Code, 2014). در سیرالئون بخش ۶۱ قانون جرائم علیه شخص ۱۸۶۱، همجنس‌گرایی را با مجازات از ده سال تا حبس ابد^۱ جرم‌انگاری کرده است (Sierra Leone, Offenses against the Person Act 1861). ماده ۲۳۰ قانون مجازات تونس نیز برای همجنس‌گرایی مردان و زنان سه سال حبس مقرر کرده است (Tunisia Criminal Code, 1913).

۶. نتیجه‌گیری

در نگاه مبتنی بر ادیان ابراهیمی، گرایش‌های نامتعارف جنسی به لحاظ نامشروع بودن و به‌خصوص غیرطبیعی بودن آن، همواره مورد نهی قرار گرفته‌اند. این دیدگاه در مکتب اسلامی نیز هم‌راستا با آنچه همواره توسط ادیان الهی دنبال می‌شد، ادامه یافت؛ به‌طوری‌که در آیات متعدد قرآن کریم، ارتکاب اعمال ناشی از گرایش‌های خلاف طبیعت و نامشروع جنسی تحت عنوان همجنس‌گرایی، به‌عنوان فاحشه و

^۱. life imprisonment

فسقی که نسل پاک انسانی را قطع می‌کند، در نظر گرفته شد. بازگویی چندبارهٔ ماجرا در قرآن کریم نشان از اهمیت مباحث بیان شده در این آیات دارد. از آن جهت که این‌گونه رفتارها علاوه بر عدم مشروعیت، مخالف اصل زوجیت در خلقت^۱ نیز هست. براساس کلام ائمه اطهار، در مراحل از روابط نامشروع طبیعی نیز حرمت بیشتری دارد و هم‌ردیف کفر از آن یاد می‌شود. ارتکاب این اعمال که به شهادت قرآن کریم تا زمان قوم لوط بی‌سابقه بود، در عملکرد این قوم به گرایش همه‌گیر تبدیل شد و گناهکاران سعی بر آن داشتند که سایرین را شبیه خود کنند و در صورت عدم موفقیت به مجازات آن‌ها بپردازند. از این‌رو، باید تأکید شود که این میل و گرایش ناصحیح وقتی شکل می‌گیرد، عملکردی پیش‌رونده دارد و حد یقفی برای آن مورد تصور نیست. چنانچه قوم لوط نیز عملکردی تهاجمی داشتند و می‌خواستند به جهت شدت انزجار لوط علیه‌السلام از گناهشان و طهارت وی، ایشان را مجازات و از سرزمین خویش اخراج کنند. علاوه بر این، براساس احادیثی که نقل شد، یکی از عوارض طبیعی گرایش به همجنس این است که فرد طبیعت وجودی‌اش تغییر می‌یابد و دارای شهوت زنانه می‌شود و این امر در عملکرد همجنس‌گرایان چه در گذشته، چه امروز کاملاً مشهود است. چنان‌که وقتی لوط علیه‌السلام قومی را به ازدواج با زنان فراخواند، آنان اظهار بی‌میلی نسبت به جنس مخالف کردند. این را می‌توان یکی از مجازاتی دانست که به‌طور طبیعی برای مرتکبان این اعمال حادث می‌شود. آن‌ها از میل به حلال به میل به حرام کشیده می‌شوند و در قضایای مطروحه نیز ملاحظه می‌شود که بسیاری از همجنس‌گرایان برای اثبات طبیعی بودن کار خلاف خود، به عدم میل به جنس مخالف استناد می‌کنند.

نکتهٔ حائز اهمیت در این بین این است که ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر دین، ثابت، واقعی و الزام‌آور هستند، اما ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر تفکر سکولار که از اومانیسزم نشئت گرفته‌اند، سیال و قابل‌تغییرند و نسبت به مزاج جامعه یا حتی نسبت به ارادهٔ سردمداران جوامع، متغیر خواهند بود. براین‌اساس، امروزه با فاصله‌گیری ارزش‌های جوامعی که مبنای دینی ندارند، از ارزش‌های تاریخی و سنتی دینی، ارزش‌های اخلاقی متکثر و جدیدی در این جوامع، نمود و بروز یافته است؛ به‌طوری‌که برخلاف ارزش‌های سنتی، همین جوامع در حوزهٔ خانواده که مبتنی بر خانوادهٔ سنتی متشکل از زن و مرد^۲ بود، امروزه اشکال نامتناسب و نامتعارف خانواده که توسط ادیان در طول تاریخ تحت عنوان فحشا یاد می‌شد، در عملکرد آنان حائز ارزش تلقی شده است و در حال حاضر شاهد این هستیم که رویهٔ برخی مراجع بین‌المللی به‌سان قوم لوط در تأیید و شناسایی این اعمال و گرایش‌های نامتعارف، پیش‌رونده است. به این معنا که از شناسایی مشارکت‌های مدنی مبتنی بر همجنس‌گرایی تا قبح‌شکنی این جرائم تاریخی و حذف مجازات‌هایی که در اغلب جوامع نسبت به این اعمال چه در عرف و چه در قانون وجود داشت، تا جعل نهاد مقدس ازدواج برای این امر نامشروع و خلاف خلقت، پافشاری بر منع تبعیض و اعطای حقوق برابر با خانواده به معنای همیشگی و تاریخی و صحیح آن، به خانوادهٔ جعلی‌ای که برای دو همجنس به رسمیت شناخته‌اند و در نهایت نکتهٔ تأسفبار قبح‌شکنی بزرگی است که با تشویق یا اعمال فشار نسبت به جرم‌انگاری جرم نفرت از همجنس‌گرایی توسط برخی از نهادهای بین‌المللی و خصوصاً دیوان اروپایی حقوق بشر به‌صورت سیستماتیک در حال انجام است؛ به‌طوری‌که در قوانین موضوعهٔ برخی از کشورهای غربی با اندیشهٔ سکولار نیز این امر انجام شده است.

نکتهٔ قابل‌تأمل و تأثیر این‌که درحالی‌که مراجع بین‌المللی حقوق بشر بر فراگیری دایرهٔ شمول برابری جنسیتی، نسبت به گرایش‌های جنسی نامتعارف اصرار دارند که در زمان تصویب اسناد و کنوانسیون‌های مورد اشاره، همجنس‌گرایی در کشورهای مذاکره‌کننده نه‌تنها به‌عنوان یک امر قانونی پذیرفته نشده بود، بلکه در بسیاری از آن کشورها جرم محسوب می‌شد و به‌جرت می‌توان مدعی شد که در زمان تصویب این متون و اسناد، ارادهٔ تصویب‌کنندگان بر توسعهٔ شمول عبارت برابری جنسیتی نسبت به همجنس‌گرایی نبوده است. از این‌رو، براساس قواعد ناظر به تفسیر معاهدات، چنین تفسیری از «برابری جنسیتی» در معاهداتی چون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، خلاف حقوق معاهدات است. موارد فوق نمونه‌هایی از حملهٔ بی‌حدومرز حامیان همجنس‌گرایی به بنیان خانواده است.

در این بین، همچنان در سراسر جهان و حتی در قارهٔ اروپا^۳، کشورهای زیادی وجود دارند که خانواده را اتحادی متشکل از یک زن و یک مرد می‌دانند و گرایش‌های نامتعارف جنسی نسبت به همجنس را تصدیق نکرده‌اند. فراتر از آن، در سطح جهانی، کشورهای زیادی در

۱. «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ...» (آیهٔ ۴۹، ذاریات)

۲. مادهٔ ۱۶ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر

۳. دیوان اروپایی حقوق بشر مدعی اجماع اروپایی نسبت به همجنس‌گرایی است.

قوانین داخلی خود برای ارتکاب اعمال مبتنی بر گرایش‌های نامتعارف جنسی، جرم‌انگاری دارند و مجازات متفاوتی را از حبس، شلاق و مجازات مرگ مقرر کرده‌اند. حتی لازم است یادآوری کنیم که بسیاری از کشورهایی که امروزه در قوانینشان نهاد ازدواج را برای همجنس‌گرایان قانونمند کرده‌اند، در رویه تاریخی خود ارتکاب چنین اعمالی را مجازات می‌کردند. به نظر می‌رسد سکولاریزه‌شدن و جدایی از مبانی دینی در این کشورها به تغییر مبانی اخلاقی منجر شده است؛ چرا که همان‌طور که بیان شد، افول مذهبی با تغییر در دیدگاه‌های اخلاقی ارتباط مستقیم دارد.

براساس آنچه در این نوشتار ارائه شد، نکته حائز اهمیت این است که پیشروی حامیان همجنس‌گرایی در سال‌های اخیر به شدت نگران‌کننده شده است. دیدگاه‌های این‌چنینی به دنبال ایجاد استانداردهای جدید و نامتعارف در حوزه خانواده توانسته‌اند حقوق متکثری را برای همجنس‌گرایان در جوامع مختلف فراهم کنند. وقتی به این نگرانی افزوده می‌شود که عملکرد برخی مراجع بین‌المللی نیز با این نظرات هماهنگ شده و در پی اعمال فشار به کشورها برای قانونی کردن این لغزش تاریخی است. در این بین، از قبح‌زدایی تا جرم‌زدایی و قانونی کردن ازدواج و اعطای حقوق متنوع و متکثری به آنان خصوصاً اعطای حق منع تبعیض به همجنس‌گرایان، تا اجبار کشورها بر جرم‌انگاری جرم نفرت از همجنس‌گرایی توسط حامیان همجنس‌گرایی در برخی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی، همه و همه نشانگر این مدعا است که این تفکر تا ویرانی مفهوم سنتی و مشروع خانواده پیش خواهد رفت و در آینده نزدیک شاهد اعمال فشارهای بیشتری از طریق سازمان‌های بین‌المللی مدافع حقوق بشر بر کشورهایی که خانواده به معنای همیشگی و تاریخی آن، نهاد بنیادین و اساسی جامعه است، خواهیم بود. این در حالی است که نزاع آتی بر سر مفهوم و مصداق خانواده برای کشورهایی که مبانی فکری‌شان آموزه‌های اسلامی است، به هیچ‌وجه قابل تسامح و تساهل نخواهد بود؛ چرا که در مبانی دینی اسلامی، تشکیل خانواده صرفاً از راه ازدواج قانونی و شرعی یک زن و یک مرد متصور است. براین‌اساس، به جهت اهمیت خانواده در اسلام، اعمال مبتنی بر گرایش‌های نامتعارف جنسی نسبت به همجنس در بین مجازات‌های اسلامی، از شدیدترین مجازات‌های حدی است. به این ترتیب اسلام نه تنها راهی برای پذیرش یا حتی تساهل نسبت به این نوع گرایش‌ها باقی نگذاشته است، بلکه سخت‌ترین کیفرها را نیز برای آن در نظر گرفته و تصریح می‌فرماید: وَ لَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ.

۷. تعارض منافع

در این مقاله، هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

References

1. A.N. v. France, ECHR, Application no. 12956/15, 19 avril 2016.
2. Advisory Opinion OC-24/17 of November 24, 2017 - Requested by the Republic of Costa Rica, Gender identity, and equality and non- discrimination with regard to same-sex couples.
3. Afghanistan's Penal Code, 2017 came into force on 14 February 2018.
4. Alekseyev and Others et al. v. Russia, ECHR, 06/05/2019, Applications nos. 4916/07, 25924/08 and 14599/09.
5. Algeria Penal Code, Ordinance 66-156 of 8 June 1966 Turkish Armed Forces Disciplinary Law No: 6413 dated January 2013, . <https://www.resmigazete.gov.tr/eskiler/2013/02/20130216-1.htm>.
6. Al-Kulayni, M. (1987). *Al-Kafi*. Edited by Ghafari. A.A and Akhundi, M. volume 5& 7. Tehran: Islamic Bookstore. (In Arabic)
7. Al-Kulayni, M. (2008). *Al-Kafi*. Volume . 14 11 & 1114, . Qom: Dar al-Hadith. (In Arabic)
8. Attarodi, S. H. A. (2005). *Masnad al-Imam al-Sadiq Abi Abdullah Jafar ibn Muhammad (AS)*, . volume Vol. 16, . Tehran: Atarod. (In Arabic)
9. Austria, Artificial Procreation Act (Fortpflanzungsmedizingesetz, Federal Law Gazette 275/1992).
10. Austria, Civil Code (excerpt) (Allgemeines bürgerliches Gesetzbuch (ABGB). Text No. 52, 1811.
11. Austria, Registered Partnership Act (Text No. 135/2009).
12. B. and C. v. Switzerland, ECHR, 17/02/2021, Applications nos. 889/19 and 43987/16.
13. Barqi, A. (1952). *Al-Mahasin*. Edited by: Muhaddith, J. First volume. Qom: Dar Al-Kutub Al-Islamiyyah. (In Arabic)
14. Beizaras and Levickas v. Lithuania, ECHR, 14/05/2020, Application no. 41288/15.
15. Beizaras and Levickas v. Lithuania, ECHR, Application no. 41288/15, 14/05/2020,
16. Buggery Act 1533, by Parliament during the reign of Henry VIII. (In German)
17. Carroll, A. & Ramón Mendos, L. (2017). *State Sponsored Homophobia 2017: A world survey of sexual orientation laws: criminalisation, protection and recognition*. ILGA.
18. Constitution of Georgia, No. 2071 of 23 March 2018.
19. Constitution of the Republic of Lithuania, Adopted by the citizens of the Republic of Lithuania in the Referendum of 25 October 1992, <https://www.lrs.lt/home/Konstitucija/Constitution.htm>.
20. Constitution of the Republic of Poland (1997), https://en.wikisource.org/wiki/Constitution_of_the_Republic_of_Poland/Chapter_1
21. Constitution of the Russian Federation, CDL-REF (2021)010, Strasbourg, 4 February 2021.
22. Constitution of Ukraine, 28 June 1996, <https://web.archive.org/web/20110521190059/http://www.rada.gov.ua/const/conengl.htm>.
23. Council of Europe. Guide on the case-law of the European Convention on Human Rights, Rights of LGBTI persons. 31 August 2022.
24. Criminal code of the republic of Armenia.
25. European Commission against Racism and Intolerance (ECRI), Reports on Armenia, Fourth report on Armenia, adopted on 28 June 2016 / published on 4 October 2016, Council of Europe.
26. European Convention on the Adoption of Children.
27. Fadlallah, M. H. (1999). *Inspired by the Qur'an*. Volume 7. Lebanon - Beirut: Dar Al-Malak. (In Arabic)
28. Faqihi, A.N. (2008). *Sexual education: principles, principles and methods from the perspective of the Qur'an and Hadith*. Qom: Dar al-Hadith Scientific and Cultural Institute, Publishing Organization. (In Persian)
29. Fedotova and Others et al. v. Russia, ECHR, Applications nos. 40792/10, 30538/14 and 43439/14, 17 January 2023.

30. French Constitutional Council, Decision no. 2013-669 DC of 17 May 2013, Law providing for same-sex marriage.
31. Gambia Criminal Code (Amendment) Act, 2014.
32. Gambian Criminal Code, an amendment (144A) 2014.
33. Genderdoc-M and M.D. v. the Republic of Moldova, ECHR, Application no. 23914/15, 14 December 2021.
34. Gerber, P. & Timoshanko A. Is the UN Committee on the Rights of the Child Doing Enough to Protect the Rights of LGBT Children and Children with Same-Sex Parents?, *Human Rights Law Review*, 2021, 00, 1–51, <https://doi: 10.1093/hrlr/ngab012>.
35. German Act on Registered Life Partners, 2005.
36. Gesetz zur Einführung des Rechts auf Eheschließung für Personen gleichen Geschlechts [Same-Sex Marriage Law], July 20, 2017, BGB L. I at 2878.
37. Grau, Günter G. (2011). *Dictionary of the persecution of homosexuals 1933 – 1945*. LIT, Berlin 2011. (In German)
38. Grosclaude, J. (2016). *From Bugger to Homosexual: The English sodomite as criminally deviant (1533-1967)*.
39. Halman, L. & van Ingen, E. (2015). Secularization and Changing Moral Views: European Trends in Church Attendance and Views on Homosexuality, Divorce, Abortion, and Euthanasia, *European Sociological Review*, Volume 31, Issue (5), 616-627. <https://doi.org/10.1093/esr/jcv064>.
40. Hamzic, V. (2011). The Case of 'Queer Muslims': Sexual Orientation and Gender Identity in International Human Rights Law and Muslim Legal and Social Ethos. *Human Rights Law Review*, 11(2), Oxford University Press.
41. Human Rights Committee, Communication no. 1558/2007: *views adopted by the Committee at its 105th session*, 9-27 July 2012.
42. Hungary - Act LXXIX of 2021 on taking more severe action against paedophile offenders and amending certain Acts for the protection of children, CDL-REF(2021)088-e.
43. Hussain, I. (2011). *Secular reforms in the Ottoman Empire: A brief look at the adoption of Secular Laws in the Ottoman Empire with a particular focus on the Tanzimat reforms (1839-1876)*. Faith Matters.
44. I.K. v. Switzerland, ECHR, Application no. 21417/17, 18 January 2018.
45. Ibn Ash'ath, M. (nd). *Al-Jaafariyyat (Al-Asha'siyat)*, . Tehran: Maktabat al-Niynawaa al-Haditha. (In Arabic)
46. Ibn Babawayh, M. (1966), . *Illal al-Shara'i*. Volume 2, Qom: Davari, First Chapter. (In Arabic)
47. Ibn Babawayh, M. (1993). *Man la yahduruh al-faqih*. Volume 4. Edited by: Ghafari, A.A. Qom: Islamic publishing office affiliated with the teachers' community of the seminary of Qom. (In Arabic)
48. Ibn Shahr Ashub Mazandarani, M. (1960). *Manaqib Ale Abi Talib*. Qom: Allamah. (In Arabic)
49. Institution representing Supreme Leader in Lorestan University of Medical Sciences. (2018). *Ethics and rules of doctors, nurses and patients*, Khorramabad: published by Lorestan University of Medical Sciences. (In Persian)
50. Johnson, P. (2011). Homosexuality, Freedom of Assembly and the Margin of Appreciation Doctrine of the European Court of Human Rights: Alekseyev v. Russia. *Human Rights Law Review*, 11(3). Oxford University Press. <https://doi:10.1093/hrlr/ngr020>.
51. Kim, C. (1973). Law of Marriage and Divorce in North Korea. *International Lawyer*, Volume 7, Number (4), 906-916.
52. Kozak v. Poland, ECHR, 02/06/2010, Application no. 13102/02.
53. Kulayni, M. (1986). *Al-Kafi*. Edited by: Ghafari A. A. & Akhundi, M. Vol. 5&7. Tehran: Dar Al-Kitab Al-Islamiya. (In Arabic)
54. Kulayni, M. (2008). *Al-Kafi*. Vol. 11&14. Qom: Dar al-Hadith. (In Arabic)
55. Law of Criminal Procedure - Saudi Arabia, Royal Decree No. (M/39), 28 Rajab 1422 - 16 October 2001.
56. Law of Procedure before Sharia Courts - Saudi Arabia, Royal Decree No.M/21, 20 Jumada I, 1421 [19 August 2000].

57. Law on approval, entry into force and implementation of the Civil Code of the Republic of Lithuania. Civil Code, Date of adoption: 2000-07-18 Valid summary version: 2023-05-01. (Lithuanian). http://www.lrs.lt/pls/inter2/dokpaieska.showdoc_l?p_id=107687
58. Libyan Penal Code of 1953, Amended 1956(selected provisions related to women)– 4: Title III – Offences Against Freedom, Honour and Morals.
59. Lilliendahl v. Iceland, application no. 29297/18, The European Court of Human Rights, 12 May 2020.
60. Lilliendahl v. Iceland, ECHR, Application no. 29297/18, 12 May 2020.
61. Makarem Shirazi, N. (1992). *Example interpretation*. Volume Vol. 15 &18, . Tehran: Islamic Books. (In Persian)
62. Mughniyeh, M. J. (2003). *Al-Tafsir al-Kashif*. Qom: Dar al-Kitab al-Islami. (In Arabic)
63. Netherlands, Equal Treatment Act, Adopted on: 1994-03-02, ISBN: NLD-1994-L-68986.
64. Nouri, H. (1988). *Mustadrak Al-wasayil Va Mustanbit Al-Masayil*. Volume Vol. 14. Qom: Al-Albayt Foundation. (In Arabic)
65. Nozawa, J. (2013). Drawing the Line: Same-sex adoption and the jurisprudence of the ECtHR on the application of the “European consensus” standard under Article 14. *Merkourios - Gender in European and International Law, Volume 29*, Issue (77), Igitur Publishing, pp. 66-75.
66. Oganezova v. Armenia, ECHR, Applications nos. 71367/12 and 72961/12, 17/08/2022.
67. Patton-Imani, S. (2020). *Queering Family Trees: Race, Reproductive Justice, and Lesbian Motherhood*. NYU Press.
68. Qaraati, M. (2009). *Tafsir Noor*. Volume Vol. 6 &9. Tehran: Lessons from Quran Cultural Center. (In Persian)
69. Response to SOGI Human Rights Statement, read by Syria – 18 Dec 2008.
70. Rezaei Esfahani, M. A. (2001). *A research on the scientific miracles of the Qur'an* (3rd Ed.), volume Vol. 2, 3rd edition., Qom: Kitab Mobin. (In Persian)
71. Sharif, A. (2001). *Ilm Al-tib Al-Qurani*, Beirut: Dar Al-Ilm Lilmalayin. (In Arabic)
72. Sierra Leone (case C-199/12), under section 61 of the Offences against the Person Act 1861.
73. Soccol, A. (2018). *A Step Closer to Equality: LGBTQ+ Rights in the Inter-American Court of Human Rights*. University of Oxford. <https://ohrh.law.ox.ac.uk/a-step-closer-to-equality-lgbtq-rights-in-the-inter-american-court-of-human-rights/>.
74. StGB: Criminal Code for the German Reich of May 15, 1871. (In German)
75. Tabari, M. (1992). *Jami' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an (Tafsir al-Tabari)*. Volume 19. Lebanon - Beirut: Dar Al-Maarifa. (In Arabic)
76. TBC Bank group PLC, Georgia country report 2021, bne IntelliNews, p.11.
77. The Islamic Penal Code of the Islamic Republic of Iran, approved in 2012. (In Persian)
78. Toonen v. Australia, Communication No. 488/1992, U.N. Doc CCPR/C/50/D/488/1992 (1994).
79. Tunisia Criminal Code, 1913 (as of February 2015)
80. UK Public General Acts, Offences Against the Person Act 1861, <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/Vict/24-25/100/section/61/enacted>.
81. Valdís Fjölfnisdóttir and Others et al. v Iceland, ECHR, Application no. 71552/17, 18 May 2021.
82. Vicky Hernández et al. v. Honduras, IACtHR, Judgment of 26 March 2021.